

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

بها: ۲۰ ریال

دوشنبه ۱۶ مهرماه ۱۳۵۸

بیکار را بخوانید، در تکثیر و پخش آن بکوشید

- اعدام فاشیستی انقلابیون خلق عرب
در صفحه ۶
- زندگی سرشار از مبارزه رفیق شهید
بهمن عزتی
در صفحه ۷
- گزارشی از مبارزات کارکنان کشت و
صنعت کارون
در صفحه ۸
- بخشنامه های ضد انقلابی
در صفحه ۱۵

اعلامیه سازمان درباره مبارزات کارگران بیکار:

از مبارزات کارگران بیکار چه می آموزیم؟

- چرا دولت بخود اجازه می دهد همین مقدار ناجیروام بیکاری را دوباره بس بگیرد؟
- چه کسانی از پشت به کارگران خنجر می زنند؟
- چگونه می توانیم بیروزشویم؟

در صفحه ۱۶

کار، کار، کار اینست شعار بیکار

گزارشی از مبارزه کارگران و دیلمه های بیکار تبریز

در صفحه ۱۳

نگاهی به مواد قانون اساسی محصول مجلس خبرگان

لیست مترقی و انقلابی تدوین شده بود، پس از طی یکدوره تمام کمال کش و قوسها، به تاخیر انداختن ها و اکراه ویسی میلی دولتمندان سر-بقیه در صفحه ۲

هنگامیکه چندماه پیش، متن نهایی پیش نویس قانون اساسی که بطرز کاملاً سری و در اطاقهای دربسته وبدون مشارکت و نظردهی انقلابی ودموکراتیک کلبه نیروهای ضدا مبریا-

جنبش گارگری

اعتصاب کارگران مبارز
ماشین سازی پارس

شورای ضد کارگری
کارخانه چیت تهران بافکار
بخشنامه ضد کارگری دولت
و مقاومت کارگران در مقابل آن

اعتصاب و تجمع کارگران
فاستر ویلر (تهران - جنوب)

اعتصاب، تا پیروزی کامل
ادامه دارد
در صفحه ۱۶

کارگر به پیش! شماره هفت، توقف شد!

سخنی پیرامون ترمیم کابینه

دولت بازرگان چهارمین ترمیم را پشت سر گذاشت. روند این تغییرات بگونه ای است که هر چه بیشتر، لیبرالها غیرمذهبی با کمتر مذهبی از دستگاه دولتی به کنار کشانده میشوند. و به همان نسبت بورژوازی مذهبی که در ترکیب دولت اکثریت را شامل میشود، امکان بیشتری برای اتحاد با قشار ممتاز روحانیت می یابد، این اتحاد نامقدس با ورود مهره های مورد اعتماد قشر بقیه در صفحه ۶

شور زندگی در جنبش دانش آموزی میهن ما

اخباری از مبارزات دانش آموزان

در صفحه ۳

اخباری از: کردستان قهرمان

در صفحه ۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بعد از مدتی

نگاهی به مواد قانون اساسی

این سه مرتبه مطبوعات ظاهر گشته و بود و نبود خود را به نمایش گذاشت. در آن زمان ما با بررسی و بی گامی مجموع نقطه نظرات و عمل کردهای سیستم حکومتی در عرصه حیات اجتماعی و سیاسی - اربیت و محتوای طبقاتی آنست از یکسو تجزیه و تحلیل و روشنگری مواد قانون اساسی از سوی دیگر صریح و آشکار به خلقهای ایران اظهار داشت که این قانون نمی تواند بیاباگر و مدافع منافع خلقهای ایران در این مرحله یعنی انقلاب مدام امپریالیستی و دموکراتیک باشد. و علیرغم جرح و تعدیل هایسی که تحت فشار جنبش بوده ها و اعتراض نیروهای مترقی و انقلابی پذیرا شده و نسبت به متن سابق قدمی به جلو برداشته، در اساس و محتوی تعیینی پیدا نکرده و تغییرات حاصله جزئی سطحی و دل خوش کن می باشد. سازمان ما همچنین اعلام میکرد که سیستم حکومتی حاضر بنا به منافع و با بگناه طبقاتی اثر از آنجا که نمی تواند به ناسود ی کامل و بی چون چرای سلطه و نفوذ امپریالیسم، حاکمیت مناسبات سرمایه داری وابسته و عمال بومی امپریالیسم در ایران حاصله عمل نپوشاند بلکه در تحکیم و تقویت اساس این نظام سبب تلاش میکند. از آنجا که از همان اولین روز حکومت خود در برابر سرسپردگان امپریالیسم ترمنش و کمرش نشان داد، قرارداد های اسارت آور امپریالیستی را با برجا گذاشته و سیستم سرمایه داری وابسته را در لاف های اسلامی به عنوان اساس حاکمیت خود و راه حل بحران عمیق و همه جانبه اقتصادی و اجتماعی موجود برگزیده است، بهیچوجه قادر نیست قانونی تدوین کند که از خواستهای اصیل و عمیق خلقهای ایران نشاءت گرفته و مدافع و محافظ آن باشد.

امروز گذشت زمان و اصولی که از مجلس به اصطلاح خبرگان تصویب شده بیرون می آیند و اقصیت بالا را بطور کامل تأیید میکنند. برای هر که هر چه بیشتر واقعیت و در جریان واقعی امور قرار گرفتن، کافیت که به آنچه که در مجلس به اصطلاح خبرگان میگذرد و "منتخب دستچین" این بحثها و بررسی ها بطور مختصر در میانته های گروهی منعکس میگردد، مراجعه کنیم. مراجعه کنیم و ببینیم چگونه کسانی که هیچگونه درک انقلابی از منافع خلقهای ایران ندارند، مضحکه کالمی از فضیلتها و لطافتها درست کرده اند که تصحیح در آن خشم هر فرد انقلابی و مبارز را برمی انگیزد، و بی اختیار این حقیقت در پیش روی ما قرار می گیرد که آتون ۶۵ هزار شهید به هدر رفته. مراجعه کنیم و ببینیم چگونه زیر پرچم اسلام شامقوانین سابق احیا میگردد و حتی ابتدائی ترین و حیاتی ترین حقوق و منافع خلقهای ایران در نظر گرفته نشده و با بمال میشود.

چگونه بحثها و جدل هایی که صورت میگیرد نه روی محتوی و اساس مواد تا کید و او را بر منافع توده ها بلکه بر روی چیزهای فرعی و خنده آوری است که تنها خیال سرمایه داران و زمینداران ز الوصفت و سرسپردگان رژیم سابق را آسوده می سازد. برخی نظرات و پیشنهادات خود را درباره قانون اساسی در شماره های قبل پیکار رسیان داشته ایم. اکنون که مواد پیش نویس نهایی

بسرعت طوفان یکی پس از دیگری صورت رسمی پیدا میکنند، اکنون که هیئت حاکمه جهان نشهای خود را نسبت به آرماسهای اصیل توده های میلیونی ایران را حای دوباره مناسبات اجارت با رقدیم برپا به توهانات و احساسات پاک توده ها مرتکب میگردد، لازم میدانیم به بررسی بیشتری در مورد این مواد سر دازیم:

مجلس خبرگان با تصویب ماده اول قانون اساسی:

- انقلاب را پیروز میدانند! موضوعی که مدعیانش از ابتدا جرئت گفتن آنرا نداشتند!
- بر محتوای دمکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب پرده می اندازد! چیزی که رو در روشی با میلیونها توده، ستم دیده، ما است که ماها فریاد زدند: استقلال، آزادی!
- تنفر و انزجار عمیق خود را نسبت به جامعه بی طبقه نشان می دهد! چیزی که هدف نهائی تمام زحمتکشان است!

اصل ۱ - حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن در پی انقلاب پیروزمند خود بر مبنای امام خمینی، در همه پرسه دهم و نهم تا زدهم مردودین ماه ۱۳۵۸ برابر با اول جمادی الاولی سال ۱۳۹۹ هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲ کلبه کسانی که حق رای داشتند به آن رای مثبت داد.

این اصل که علی القاعده جا نما به قانون اساسی بوده و میبایستی مبین چکیده و اصلی ترین هدفی باشد که انقلاب خلقهای ایران در سولوحه خود قرار داده بود (و هست) و می خواهد آنرا در تاریخ ثبت نماید تا بر مبنای آن رژیم آینده رسماً و قانوناً بنا گردد و آیندگان نیز با استناد به آن در باره کم و کیف انقلاب خلقهای ایران در این مرحله از تاریخ حیات اجتماعی شان قضاوت کنند.

حال ببینیم آنان که در مجلس خبرگان گرد آمده اند چگونه حق را در مورد مطلب ادا میکنند؟ یعنی آنچه را که واقفاً بوده و اتفاق افتاده، آنچه را که خواست خلقهای ایران بوده، چگونه متمسک و در تاریخ ثبت میکنند.

اصل مصوبه مجلس خبرگان بما میگوید که جمهوری اسلامی بر اساس اعتقاد دیرینه ملت ایران به حکومت حق و عدل قرآن روی کار آمده است. اما همه میدانیم که این واقعیت انکار ناپذیر و بر همه معلومی است که خلقهای ایران (که نکی نسبت اکثریتشان مملمان هستند)، در جنبشی با ما هیست و محتوی شیداً ضد امپریالیستی و دمکراتیک شرکت نموده و قهرمانان در این راه رزمیدند و چیزی که آنها بدست آورده اند تنها بخش کوچکی از آرماسهای انقلابی در راه رهاشی از قید و بند هرگونه ستم ملی و طبقاتی میباشد. قید و بندی که در نتیجه حاکمیت شوم امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا

کاملاً انکار نموده و ماهیت و محتوی انقلاب خلقهای ایران را از دید توده ها و قضاوت تاریخ بنهان میسازند. از طرف دیگر در اصل آمده است "انقلاب پیروزمند ... در حالیکه واقعیت اینست که انقلاب خلقهای ایران اگر چه پیروزمندانه به پیش میبناخت و در حرکت روبه امتداد خود توانست بساط سنگین سلطنت را درهم بپسند و ضربات محکمی بر منافع امپریالیسم وارد آورد، اما نتوانست همچنان به حرکت پیشرونده خود ادامه دهد. رژیمی که از فردای قیام روی کار آمد بنا به ماهیت طبقاتی خود برجانبش دهته زد، سازش و ماساها با دشمنان انقلاب آغاز شد. قرارداد های اسارت بار به اعتبار خود باقی ماندند. ارتش بهمان صورت سابق و با همان روسای سابق حفظ شد. سرسپردگان رژیم سابق یک بیک آزاد شده و حتی بهیچمانه تر از آن دوباره به سرکار خود بازگشتند. یعنی انقلابی در نیمه راه متوقف ماند و نتوانست به هدف خود یعنی رهایی از قید و بند وابستگی به امپریالیسم و عمال داخلی آنها دست یابد. خلقهای ایران نتوانستند استقلال واقعی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را بدست آورده، ستم ملی و ارتجاع داخلی را نابود سازند. اما اگر انقلاب از دیدگاه منافع زحمتکشان جامعه ما ناتمام ماند و به پیروزی کامل نرسید، از نظر بورژوازی لیبرال خاشن و روحانیت مشروع طلب به پیروزی رسید، چرا که آنها را حاکم بر مقدرات خلق کرد! و همین بایدهت کرد. اما بنام توده ها!

همچنین در بالا گفتیم که توده ها بر اساس آنچه که میخواهند و بطاظر آن در

بقیه در صفحه ۲
توضیح:
"ولایت فقیه گشا درین کلاهی که بصر مردم ایران می رود! را در شماره آینده دنبال خواهیم کرد."

شور زندگی در جنبش دانش آموزی میهن ما

تحصن دانش آموزان شبانه
برای معافیت از شهریه

تغییر

وقتی محصلین شبانه بعد از دوره را همتا می گفتم که اقلیتان کارگرند، برای ثبت نام مرا جمع می کنند، می بینند که حدود ۵۵۰ تومان شهریه باید بدهند. از این تیر و سمنوان اعتراض، ساعت ۸ صبح روز یکشنبه ۵۸/۷/۱ (یا دوشنبه ۵۸/۷/۲) در استاننداری متحصن می شوند و از استانندار می خواهند که آنها هم مثل روزانه از پرداخت شهریه معاف شوند (البته، دانش آموزان روزانه طی مبارزه ای، معافیت از شهریه را گرفتند) استاندار را قبول نمیکنند، ولی آنها با فشاری می کنند، و به سخنرانی ملایمی که میخواست آنها تحصن را بشکنند، توجه نمی کنند. بعد از آنرا ایجا دتفرقه می گویند، دانش آموزان هر کلاس جداگانه با یکدیگر می ایستند تا با آنها مذاکره کنیم، ولی دانش آموزان نمی پذیرند، پس از ۲ ساعت که از تحصن می گذرد همه تیرهاشان به سنگ می خورد، استاندار مجبور میشود معافیت آنها را از شهریه قبول کند. دانش آموزان می گویند، باید رئیس کل آموزش و پرورش هم امضا کند. آننگاه با حقوق مشکل از جلوانداری می کنند، اداره کل آموزش و پرورش را هم میمانی میکنند، پس از امضا، رئیس آموزش و پرورش وی را او - دارمی کنند که نامه امضا شده را تکثیر کنند و به همه مدارس بفرستند.

اخراج بخاطر فعالیت های سیاسی

توان

دبیرستان دخترانه پنهانک، در اواخر خرداد ماه و اوائل تیرماه سال گذشته، دهانش - آموزرا ظاهرا به عنوان بی اعتنائی به مقررات و بی انضباطی اخراج کرد. اما واقعیت اینست که دانش آموزان مذکور به علت فعالیت برای ایجا دشورا و محیطی دموکراتیک و شیرافشای ماهیت سیستم آموزشی و تشکیل تعاونی و کیتنه کردن دست سها مدار مدرسه بنام قامی و کتیل اخراج شدند. در زیرنا ما اخراجی یکی از آنها بنا شده می شود:

انقلاب اسلامی وارد ادا راه شدند و سرپرست آنها بمیان دانش آموزان آمد و گفت: "بنا بگفته امام هیچکس حق تظا هرات و تحصن را ندارد، اما چون خواستهای شما برحق است، شما بندگان خود را پیش ما بفرستید، تا با هم مذاکره کنیم. در ضمن شما دروغ می گوید که برای موضوع شهریه به اینجا آمده اید. چون روز پنج شنبه مدیرکل طی اطلاعیه ای اعلام کرده که اجباری نیست و هرکس علاقه دارد بدهد." در این حال یکی از دانش آموزان مثل فنر پدید وسط حرفش گفت:

"اولا چون ما معلمیم، موضوع به آموزش و پرورش مربوط می شود و هیچ کس دیگر حق دخالت در امور ما را ندارد. دوم این - که گفتید ما دروغ می گوئیم، اگر اطلاعیه را خوانده باشید، دنبال اش آمده که هر کس شهریه نپردا زد، بهینش احتما مسی ندا رد. ما میگوئیم آ یا شما بهینش اجتما می رابا پول نگاه می کنید؟ اگر اینطور است، پس: میریای لیم آمریکا و سرمایه - داران از همه بیشتر بهینش اجتما مسی دارند و یگفته شما، بچه های سرمایه دارها از ما بچه های کارگران و زحمتکشان بیشتر می فهمند."

وی همچنین گفت:

"اگر خیال می کنید که ما توطئه می کنیم بدانید ما بودیم که با رسال به غیا با نها ریختیم و به بیروزی انقلاب کمک کردیم، حالا هم این قدرت را داریم که از انقلاب خود پاسداری کنیم، به شما هم مربوط نیست. مطمئن باشید که تا بر آوردن خواستهایمان تسلیم نخواهیم شد." خبر بعدی حاکیست که دانش آموزان بدون قید و شرط از پرداخت شهریه معاف می شوند.

سال تحصیلی جدید آغاز شد. دانش آموز - انی که در تجربه خونین سال گذشته آبدیده شده اند، نوجوانانی که با شرکت فداکارانه خویش در انقلاب، اندوخته های بیمراتب بیشتر ازین خود کسب کرده اند با حفظ همان شورش و شوق قبل از قیام راهی مدارس شدند.

آنها در همان اولین برخورد خود نسبت به حفظ مبارها و ضوابط رژیم وابسته شاه عکس - العمل نشان دادند. مبارزه بر علیه شهریه، مبارزه بر علیه نظام طبقاتی مدارس، مبارزه بر علیه تفتیش ساواک منشا نه عقاید... سرتا - سر میهن را فرا گرفت، تحصن در استاننداری ها در جلوی ادارات و آموزش و پرورش، رویدادهای نخستین روزهای سال تحصیلی در کنا رو گوشه میهن ما بود. این مبارزات مشت محکمی بود بر دهان هیئت حاکمه از جانب نوجوانان وطن ما، از طرف فرزندان زحمتکشان ما، که میوه نارس انقلاب شان بدست ناپاک بورژوازی و همدستان مشروع طلب او، چیده شد. و این است گوشه ای از این مبارزات:

آمل

در مدرسه راهنمایی تحصیلی سرور آلام - پوش، از ۲۵ دانش آموز دختر به علت داشتن سابقه فعالیت سیاسی، ثبت نام نمی کنند. مدیر مدرسه گفته است، در صورتی از آنها ثبت نام می کنند که تعهد دهند از این پس فعالیت سیاسی نداشته باشند. جالب توجه است که مدیر مذکور، قبل از قیام طرفدار رژیم شاه خاشن بوده و از تظا هرات دانش آموزان جلوگیری می - کرده و بخاطر همین، با چند نفر از دانش آموز - انیکه امروز جزو ثبت نام نشدگان هستند درگیری پیدا می کند. اما امروز رنگ عوض کرده و زیر نام اعلام، از ثبت نام دانش آموزان مبارز جلوگیری می کند.

نسلی مبارز و قهرمان
که آبدیده می شود

تغییر

روز شنبه ۵۸/۶/۲۲ تعدادی از دانش آموز - ان مدارس تبریز با شعار (شهریه مدارس الفاء - با بدگردد - فعالیت سیاسی آزاد باید گردد) وارد اداره آموزش و پرورش شده و پس از بحث و گفتگو درباره مسائل و مشکلات خود نمایندگان شان را پیش مدیرکل فرستادند. تا آنها بیایند با مدیرکل مذاکره کنند، بقیه دانش آموزان - شمارها و خواستهایشان را روی کاغذ نوشته و به دیوار چسباندند. از جمله شعارها: (شورا های دانش آموزان، شهریه را از سرمایه داران بخواهنگرفت)، (فعالیت سیاسی در مدارس آزاد باید گردد)، پس از مدتی که نمایندگان بدون دریافت جواب قانع کننده ای برگشتند، همگی در سالن آموزش و پرورش شروع به تظا هرات کردند، با همان شعارهای قبلی. در این هنگام مدیلمه های نظام قدیم هم که جواب سربالا شنیده بودند، باشعار (خواسته دیلمه های بیگانه - یا مرگ یا استخام)، به دانش آموزان پیوستند. پس از چند دقیقه عده ای از افراد سابقا پاسداران

دبیرستان دخترانه پنهانک

رئیس مدرسه دانش آموز

تاریخ
شماره

طیباتی

میلان در تاریخ ۸/۶/۲۲ مرقوم هوا در تاریخ ۵۸/۶/۲۲

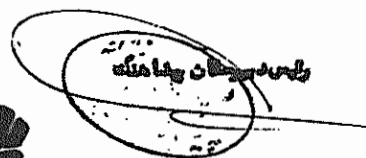
چون نرتد سها می انضباط روس انها به طریقت و کتالین تهلین

داوه شده دبیرستان از لیت نام می در حال آبدیده معلوم لیت

طقتی است که جهت اخلا برونده در یکی از روزهای دوشنبه پها

چهارشنبه در مرداد ماه دبیرستان مرقومه در تبریز است

کلیه برونده با اداره آموزش و پرورش ناحیه لیت داده خواهد شد



بقیه از صفحه ۲

نگاهی به مواد قانون اساسی محصول مجلس خبرگان

در حالیکه نمایندگان مجلس خبرگان در اصل با توسل به جمله‌ای کلی و مبهم از قماش "حکومت حق و عدل و قرآن" عمداً گریبان خود را از مسئله خلاصی داده و راه را بر تفسیر و توجیه‌های بعدی و ترکنازی قدرت - مندان حال و آینده باز میکنند تا آنها در مرحله حاضر با استناد به "حکومت حق و عدل قرآن" به چشم ندهنده‌ها خاک بپاشند و بفارت و چپاول ثروتهای ملی و بهره کشی و استثمار بیرحمانه زحمتکشان بپردازند. این امر وقتی با تمام وجود خودروشن میگردد که در حول و حوش بحثهایی که در مجلس خبرگان صورت میگیرد، شامل کنیم. بهنگام بررسی اصل اول بحثهای برآب و تابی در مجلس در مگردت مینی براینگه هرگونه خصلت طبقاتی انقلاب اخیر انکارشود.

اصرار و تاکید فراوان بر این امر که گویا جنبش خلقهای ایران بهیچوجه طبقاتی نبوده بلکه کاملاً اسلامی بود! همچنین موضوعی شذیدی در قبال "جامعه توحیدی" که در پیش نویس آمده بود اتخاذ میشد و میبینیم که سرانجام این تلاش خستگی ناپذیر به نتیجه رسید و این عبارت از اصل اول حذف گردید. آنهم با این دلیل که گویا، از این عنوان بوی "جامعه بی طبقه" برمیخیزد که کمونیستی است. آنها با این کار از یکسو ذهن علیل و دیدسیاسی بسیار محدود و تنگ خود را به نمایش میگذارند، و تلاش ارتجاعی خود را برای صد در صد اسلامی کردن قانون اساسی که کار را بدینجا میکشد که چشم را بر روی واقعیات مثل روز روشن نیز ببندند آشکار میسازند و از سوی دیگر شنفروانزجار عمیق خود را از جامعه بی طبقه و خالی از استثمار - حتی در قالب ایده‌ها و نظرات خیال پردازانه آن (جامعه توحیدی یا جامعه بی طبقه توحیدی) نشان داده و موضوع ابستگی و خصلت طبقاتی خود را عیان میسازند.

انقلاب شرکت جستند. خواهان آن بودند که در تمامی زمینه‌ها از قیدو بندسرمایه - داری وابسته به امپریالیسم رهاگردند. به ستم ملی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و... بایستی پایان داده میشد. این آن چیزی بود که خلقهای ایران میخواستند و تحقق آنرا در جمهوری می یافتند و براین امید بود که بنوعی از آن رای میدادند. اما هیئت حاکمه با عنوان جمهوری اسلامی بدون مشخص ساختن مضمون و محتوای آن درمدمد بود تا با تکیه بر توهمات و احساسات مذهبی توده‌ها، آنها را بجای صندوقها کتاند و با سوء استفاده از احساسات مذهبی و اهداف نیک توده‌ها به رهائی از قیدو بندستم ملی و طبقاتی "ثوئی" قابل انکاری کسب کنند. آنهم با این هدف که با استناد به آن و بسیج توده‌های ناآگاه، بهیترفت انقلاب را مانع گردد و دیدیم که همین کار را هم کرد. و پس از رای گیری معلوم الحال با افسانه سازی ۹۸/۲٪ که به موقع از سوی نیروهای انقلابی ساختگی بودن آن افشاگردید، جماعتی ساخت برای نیل به قدرت، انصار آن در دستهای خود، مائات و سازش با امپریالیسم و عمال داخلی آن، قدرتمندان جدید امروز نیز همین "بزرگ برنده" را در اصل اول گنجانده‌اند، بدون اینکه حتی از اصلی ترین هدفی که توده‌ها بخاطر آن انقلاب کردند و بخاطر آن به جمهوری اسلامی رای دادند، یعنی افساد دمکراتیک و ضدا امپریالیستی آن اسمی برده باشند. اما نمایندگان مجلس خبرگان عمل عجیب و غیرمنتظره‌ای را مرتکب نمیگردند. بلکه آنها تنها خط مشی و سیاستی را که رژیم درست از فردای قیام بهمین ماه قدم - بقدم دنبال کرده رسمیت میبخشد و آنرا قانونی می کنند.

از طرف دیگر اصول قانون اساسی می - بایستی نهایت صراحت و روشنی را دارا بوده و راه را بر هر گونه تفسیر و توجیه ببندند

بقیه از صفحه ۸

گزارشی از مبارزات کارکنان کشت و صنعت گارون و ناآتموقع کارکنان سرکار خود برگردند. به این صورت جمعیت محل اجتماع را ترک میکنند. ولی آنها خواستهای کارکنان شرکت کشت و صنعت گارون توسط رئیس پاسداران برآورده خواهد شد؟ آیا وزارت کار رودیگر موه سانی که کارکنان به آنجا مراجعه کرده بودند، مفید واقع شده بود که اینبار کارکنان شرکت منتظر

برآورده شدن خواستهای خود از طرف یک پاسدار شده‌اند؟ آیا زمانیکه کارکنان با بی نتیجه بودن این صبر و انتظارشان روبرو شوند، یک قدم بیشتر در اینجهت پیش نخواهندرفت که فقط نیرو و همبستگی خودشان است که کار ساز و کارگشا است؟ بیگمان چنین خواهد بود. آخرین خبر: روز دوم مهر حدود ۴۰ تن از کارکنان شرکت به اشام "فدا انقلابی" بودن از شرکت اخراج شده اند و اعتراض و مبارزه کارکنان برای بازگرداندن همکارانشان ادامه دارد.

اصفهان

دراولین روزبازگشائی مدارس، در دبیرستان - هراتی بین دانش آموزان مبارزو دانش آموزان مرتجع و ناآگاه درگیری پیش می آید. افراد مصلح کمیته به حمایت دانش - آموزان مرتجع دخالت می کنند. در این حالت دوسته دیگر در دبیرستان، وهردسته به حمایت یکی از دو طرف (مبارزو مرتجع) با هم درگیر میشوند. دبیرستان تعطیل می شود و درگیری ادامه می یابد.

گروهی از دانش آموزان هوا دار سازمان اعلامیه مورخ ۵۸/۷/۱ پیاپی به دانش آموزان

زان مبارزو ناآگاه فرستاده اند که در قسمتی از آن می خوانیم: "ما سال تحصیلی جدید را هنگامی آغاز می کنیم که خیلی چیزها را که بعد از قیام داشتیم، از دست داده ایم. ساواکی ها دوباره در مدمدر کار هستند و مزه تمغیه معلمان انقلابی در میان است. کتابها با همان محتوی واندکی ارتجاعی تر... سال جدید ما بیشتر با معلمانی سرکار داریم که با افکار قرون وسطائی و عقب مانده خود، می خواهند قلم بطلان به علم و راه آوردتکامل بشر بکشند... واگر رویشان بشود، زمین را ثابت فرض می کنند."

ودرجای دیگری می خوانیم: "مدارس را به میدان مبارزه تبدیل کنیم و به آگاهان و کار در درون توده‌ها اهمیت بیشتری قائل بشویم تا بتوانیم از توده‌های ناآگاه که موضع مغرضانه در مقابل نیروهای مترقی می گیرند، عده‌ای را بیطرف و عده‌ای را آگاه و بیه مواضع خلق بکشانیم. به کار توده‌ها برسیم و احتیاجات آنها را برآورده سازیم. با همکاری و اتحاد جبهه دشمن را ضعیف سازیم."

ودر پایان اعلامیه می آید: "... همه جا در آگاهان بگوئیم و اندیشه ما را در میان توده‌های دانش آموز بسیریم. جنگ تحمیل شده به خلقها را افشا کنیم. خلق کرده پشت جبهه نیاز دارد، اخبار دروغ و وقیحانه را دیسو و تلویزیون و روحانیت را که از جامع توده‌ای نهایت سوء استفاده را میکنند افشا کنیم. در پاک کردن این افکار از ذهن مردم بکوشیم، نقش پاسداران کمیته‌ها، دانشگاه‌های انقلاب و... را افشا کنیم. تا بتوانیم در ادامه انقلاب سهمی هر چند کوچک داشته باشیم."

اعلامیه با شعارهای زیر پایان میگیرد: زنده باد دلاوی خلقها. آگاهان ما من پیروزی است. مرگ برای امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی اش

رفقای دانش آموزان! اخبار مبارزاتی مدرسه و محیط تحصیلی خود را، با کمال دقت و با ذکر جزئیات و تاریخ آنها برای ما بفرستید.

هموطنان مبارز! رفقای گرامی! سازمان ما تاکنون با استفاده از کمکهای مالی بیدریغ شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد و در حال حاضر با توجه به محدودیت های فراوانی که ارتجاع در پیش پای ما گذارده است، و با توجه به اینکه امکانات و کانسالی علنی و نیمه علنی پس از قیام تا حد زیادی از بین رفته است، ما بیش از هر موقع دیگر نیازمند کمکهای مالی شما هستیم. در این مورد از هر طریق که می‌توانید ما را در پیشبرد اهدافمان یاری رسانید!

اخباری از کردستان

مهاباد

روزه شنبه ۵۸/۶/۲۲ هنگامیکه شمعدادی از مردم در چهارراه آزادی مشغول حواسدن اعلامیه بودند، یک ماشین پاسدار سومی رسد. یکی از پاسداران در حالیکه نارنجکی در دستش بود از ماشین خارج شده و بطرف مردم میرود. هنوز چند قدم برنداشته بود که بوسیله گلوله ضایعهای که از میان مردم به او تلیک شد، کشته می شود.

روز چهارشنبه ۵۸/۶/۲۸ مردم در چهارراه آزادی با نارنجک به ماشین پاسداران حمله می کنند. در این حادثه به کسی آسیب نرسید. روز پنجشنبه ۵۸/۶/۲۹ عده ای از مردم مهاباد در جلوی فرمانداری دست به تظاهرات زدند و پس از مدتی با دخالت پاسداران و تیراندازی هوایی متفرق شدند.

روز شنبه ۵۸/۶/۳۱ حدود ۵۰ پاسدار ملحق به چهارراه آزادی می روند و کوچهای را که منزل شیخ عزالدین حسینی در آن واقع است، محاصره می کنند. عمر همین روز مردم مهاباد نارنجک به پاسداران حمله می کنند که طی آن دو پاسدار کشته می شود. پس از حمله، پاسداران سعی می کنند با تلیک هوایی و رگبارهای پیاپی مردم را بترسانند و محیط ترس و وحشت ایجاد کنند. اما برای مردمی که حالا دیگر صدای رگبار جزئی از زندگی شان شده این تدابیر کهنه شده است. یکی از اهالی می گفت: "نقطه رورهای اول کمی ترسیدیم، اما حالا هر قدر دلشان می خواهد، رگبار خالی کنند".

اخباری از ارتش ملی

گفته میشود یک گردان از پادگان لویزان (گارد) حدود دو هفته پیش بمست مهاباد حرکت کرده است. قرار است که دوباره افسران به پست های سازمانی (که قبلا در شعبات توسط افسران اداره میشد بعد از قیام توسط همافران) برگردانده شوند و در مواردی هم این جایگوشی صورت گرفته که باعث سازمانی و عکس العمل مخالف درجه داران و همافران قرار گرفته است. ار طرف فرمانده نیروی هوایی عنوان شده است که از هر قسمت دو نفر را جهت پاکسازی معرفی کنند ولی از طرف دیگر اطلاع حاصل شده است که اکنون لیست محرمانه ای از افراد مبارز درون ارتش تهیه شده تا در موقع مقتضی آنها را تصفیه کنند. - بفرار اطلاع، باقری (فرمانده نیروی هوایی) سعی خواهد کرد به پایگاه بکم برود زیرا او خودش در زمان شاه فرمانده پایگاه بکم بود و توسط همافران و درجه داران

روز یکشنبه ۵۸/۷/۱ بدعت بازاریان که حدود یک هفته است که دکانهاشان را تعطیل کرده اند، تعداد زیادی از دانش آموزان و مردم شهر در مسجد جامع اجتماع کردند. هر کس صحبتی داشت پشت بلندگو قرار می گرفت و صحبت می کرد. هنگامیکه یکی از بازاریان از ضعف ملت کرد صحبت می کرد و اینکه خود مختاری خواستیم بماند، حالا باید ادعای سنی بودن بکنیم و منتظر شویم ببینیم دولت این حق را برسمیت می شناسد یا نه. مردم به شدت اعتراض کردند. پس ارا و اشخاص دیگری دوباره معنی زاده و عملگردهای دولت افشاگری کرده و ماهیت خدا انقلابی هیئت حاکمه را بر ملا نمودند.

روز دوشنبه ۵۸/۷/۲ حدود ۵۰ نفر دانش آموز دختر و پسر دست به تظاهرات زدند و به مسجد جامع شهر رفتند. (قبلا نماینده نخست وزیر و فرماندار استعفا می دادند و دولت وعده ای از مردم به مسجد رفته بودند) در امروز باز مردم از پشت بلندگو خواستهای بحق خلق کرد را بیان می کردند و راجع به ماهیت دولت افشاگری می نمودند. وقتی فرماندار ضمن سخنانش گفت که باید از راه عقل و منطق ... بمنتیجه برسیم، جمعیت یکپارچه به او اعتراض کردند. آنها همچنین خواستار بازگشت عزالدین حسینی به مهاباد شدند.

سندج

روز دوشنبه و سه شنبه دوم و سوم مهرماه دانش آموزان سندج دست به تظاهرات میزنند و طی آن خواستار خروج پاسداران، اعدام خلخالی و تشکیل شوراهای مدارس می شوند. آنها همچنین خواستار آن شدند که از اخراج معلمان مبارز، زیرنام فریبکارانه "پاکسازی" جلوگیری شود.

داران در جریان قیام دستگیر و به کمیته تحویل داده میشود. ناگفته نماند که فرماندهی پایگاه شکاری یک پست حساس است و رژیم شاه مطمئن ترین افرادش را به پایگاه میگماشت. با اینکه شوراهای درون ارتش تحت فشار فرماندهان و عناصر ضد انقلابی مسلح شده، هم اکنون خود دولت بخاطر جو موجود در ارتش "مشوق" تشکیل شوراهای ارتش شده. البته واضح است که این شوراهای تعاون ماهوی خواهد داشت با شوراهای که در جریان قیام بوجود آمدند و تیلوراراده بیرسنل انقلابی ارتش بودند. شوراهای که اکنون دولت در بی تشکیل آنهاست و شوراهاش است صغی که در عین حال در آینده ای نه چندان دور وظایف دیگری بر سرعه خواهد گرفت. وظایفی از قبیل حاسوسی، خبلی چینی، اعمال سیاست های ارتجاعی بنام پوزسنل ارتش و ... البته با حفظ وجهه ظاهری ارتش ملی. ولی با این حال هیئت حاکمه سعی میکند قادر شود حتی در شوراهای را هم تحمل نخواهد کرد.

روابط یا ضوابط؟!!

چگونه خون یک جوان بیگناه یابمال می شود

از بدو روی کار آمدن رژیم کنونی، دامن در بوقهای تبلیغاتی دمیده شده دیگر دور "روابط" برای استنحاب سپری شده و اکنون "ضوابط" است که حکومت میکند و انتخاب املاح است که مورد نظر می باشد. اما هر روز که از عمر رژیم سپری شد مردم بیشتر در یافتند و در می یابند که چقدر وعده های سردمداران تھی وبی محتوا بوده است و چقدر روابط کما فی السابق بر ضوابط رحمان دارد. به توصیه ما همه بزرگواران طرف "ستاد عملیاتی انقلاب اسلامی قم" برای آقای کاو زبان، دادستان شیراز، ارسال شده است توجیه کنید:

تاریخ: ۵۸/۶/۴ ستاد انقلاب اسلامی شماره: ۱/۶۹۶ بسمه تعالی

جناب آقای کاو زبان دادستان محترم شیراز دام توفیق. ضمن تقدیم سلام، در زمینه بازداشت پاسداران مرودشت با توجیه به اینکه کمیته مرودشت موردتأکید مهاباد بوده و مهدت مرودشت کمیته مرکزی تهران، و هنگام انجام ماموریت قتل واقع شده، مقتضی اسرار قرار منع تعقیب آقایان مادرشود و بعد از رسیدگی دقیق به پرونده، در صورتیکه دلالت کافی برای قتل عمد باشد تعقیب فرمائید با تقدیم احترام بسمه تعالی ستاد عملیاتی انقلاب اسلامی قم امضا ۱۳۵۷

قم میدان آستانه مقابل شیخان لازم به توضیح است قتل که درباره آن در توجیه نامه صحبت میشود و توصیه میگردد که قاتلان رافع زحمت کنند، بدنبال افسد و جنایتکارانه ای در مرودشت اتفاق می افتد و طوما رزندگی جوان برآید و راپاره میگردد جریان واقعه با اختراع چنین است که جوار مدکور برای دعوت آشنا پانش از عشا بر به حشر عروسی اش به دهات اطراف می رود و ارتجاع که از نمایان با این عشا بیروحت دارد این جوان را بقتل می رساند. کمیته ای که مرتکب این جنایت میشود ریاستش با شیخ خدائی می باشد. (برای اطلاع از مشروح خبر به پیکار ۱۹ مراجعه کنید.)

بقیه در صفحه ۶ اعدام فاشیستی ... کردن درباره ترور شاه بقتل میرساند. وایک این میوه چینیان شیر به جرم "طرح انفجار" و نه خود انفجار و جرم "تمهید مقدمات قیام" و نه خود قیام، جوانان عرب خوزستان را در مقابل آتش جوخه های اعدام قرار می دهند، آسب پست درهای بسته. بدون محاکمه، بدون تنظیم کبر خوست وبدون اینکه کوچکترین امکان برای دفاع بوده باشد، سنگشان باد!

خلق کرد خود مختاری می خواهد نه جنگ

بقیه از صفحه ۱

سخنی پیرامون تغییر کابینه

ممتاز روحانیت به دولت با ارتقاء آنان به حاسن ترین پستها ، عملی میگردد . بدیهی است حضور این " مهره های مورد اعتماد " در سطوح بالای تصمیم گیری با توجه به بیسملان کار و عملکردشان طی مدت پس از قیام ، موجبات خوشنودی و مسرت خاطر امپریالیسم را فراهم می کند .

کنار گذاشتن سنجایی غیرمذهبی با کمتر مذهبی و گماردن بزدی ، معاون وقت نخست وزیر و همچنین بر کردن جای خالی وی با چمران و به معاونت نخست وزیری رسیدن طباطبائی ، یکی دیگر از عناصر باند معروف مشکوک ، سپس راندن مبشری (با زهم کمتر مذهبی) وزیر وقت دادگستری و صمود صباغیان از پست معاونت نخست وزیر به وزارت کشور مله تغییراتی بود که تا قبل از چهارمین ترمیم صورت پذیرفت ، که اینک با کنار گذاشتن نژیبه ، به حاشیه راندن فروهر از متن ، گماردن چمران در پست وزارت دفاع کاملتر شد . تاسیس وزارت جدید نفت ، مهم ترین تغییری بود که همزمان با آخرین ترمیم عملی گشت .

این تغییر و تبدیل را میتوان به معامله های سیاسی - اقتصادی بین خورده - بورژوازی راست و مرتجع و بورژوازی مرتجع تشبیه کرد که تاجر و کوشه نظری اولی و " کاردانی " و سیاست بازی دومی ، معامله را بحد دومی بسر رساند . بورژوازی در مقابل هر چه بیشتر مذهبی شدن چهره دولت و کنار گذاشتن عناصر غیر مذهبی و با کمتر مذهبی ، توانست با تاسیس وزارت جدید نفت این منبع سرشار درآمد را که قشر ممتاز روحانیت قصد داشت در کنار اوقاف و بنیاد مستضعفین و ... آنرا به تنه اولی شخصی خود بسدل کند ، کاملاً در دست خود گرفته تا با استفاده از آن سیستم اداری و اقتصادی خود را به منظور سرکوب زحمتگشان و تشبیت وضع موجود سامان بخشد .

اینکه هیئت حاکمه سعی دارد علت اصلی مورد غضب واقع شدن نژیبه را با صلاح خودداری وی از تصفیه عناصر فاسد رژیم گذشته و غیره قلمداد کند ، فریبی بیش نیست . (رجوع کنید به مقاله " دعوا بر سر درآمد نفت ! " پیکار ۲۳) در غیر این صورت چرا فریادهای کارگران و کارمندان آگاه نفت که از چند ماه پیش تا کنون از دست نژیبه ضد کارگر بلند است بجاش نرسید ، و آقای اشراقی رندانه کوشش کرد که افشای مواضع بورژوازی و سازشکارانه (سازش با سرسیردگان رژیم قبلی) او را بحساب خود بگذارد . اگر واقعاً اختلاف با نژیبه بر سر عدم تصفیه عناصر فاسد رژیم گذشته از جانب وی می باشد ، چرا به اینهمه فریاد روزمره کارگر ان و کارکنان وزارتخانه ها و کارخانه ها که مدام خواستار تصفیه عناصر فاسد رژیم گذشته هستند توجه نمی شود؟ و در مقابل آنها " فدا انقلاب " ، " اخلاکگر " و خوانده میشوند . اما واقعیت چیست؟ واقعیت

اینست که مذهبی نبودن نژیبه (۱۱) البته آنطور که مورد نظر رهبری روحانیت است ، و وابسته بودن و یا طرفداری آشکار وی از آیت الله شریعتمداری ، که این خود با توجه به اختلافات روز افزون وی با جناح حاکم روحانیت باعث خشم آیت الله خمینی شده است کافی است تا حکم به برکناری نژیبه داده شود . مفاد بر اینکه " دعوا بر سر درآمد نفت " و مقاومت نژیبه در مقابل فشار روحانیون حاکم و دفاع وی از منافع دراز مدت بورژوازی در برابر حرص و ولع خورده - بورژوازی مرتجع ، او را " منفور " تر کرده بود . نژیبه این واقعیت را با گفتن اینکه حاضر نشده است " توقعات نامشروع مدعیان را " بر آورد توضیح داد (باعداد ۷/۱۲) تغییر دیگری که در کابینه بازرگان صورت گرفت در مورد فروهر بود . وی که باعتبار مواضع فاشیستی و ضد کمونیستی شدید خویش و سازش با ارتجاع مذهبی هنوز در کابینه حضور دارد ، با احتمال زیاد صرفاً بدلیل مذهبی نبودنش از متن به حاشیه کشیده شد . و اما چمران ، که همه نیروهای آگاه با پیشینه رتوایش آشنا هستند (پیکار ۱۵) بعنوان یکی از معتدین امام بر کرسی وزارت دفاع تکیه زد . در این مورد جالب است که متذکر شویم از چندین پیش او به سوژه تبلیغاتی رادیو و تلویزیون قطب زاده (هم باند وی) و پاره ای از مطبوعات ارتجاعی بدل شده بود ، و مدام در باره " نبوغ نظامی " وی و " رشادتهاش " که در گشتار خلق کرد از خود نشان داده است ، چه چیزها که گفته و نوشته شد ! آخر میبایست ذهن مردم را آماده پذیرش " جوجه ناپلئونی " که قرار بود بر مسند وزارت دفاع تکیه زند مینمودند . چمران در همین حال آن چهره مناسبی است که ارتجاع خورده بورژوازی و بورژوازی (لیبرال و وابسته) را در یک نقطه مشترک بر سر احاله پست وزارت دفاع به او ، به وحدت رساند . چه اینکه چمران ، در درگیری کردستان در موضع فرماندهی عملیات ، با اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه خود نه تنها رضایت روحانیت را فراهم ساخت ، بلکه چشمان بورژوازی را نیز خیره ساخت و تماچیانهای هیئت حاکمه سرور - انه برایش کف زدند و اقدامات " قهرمانانه " او را ستودند .

خلاصه کنیم ، در حال حاضر ، ترکیب فعلی کابینه بازرگان ، برخلاف آنچه هیئت حاکمه عنوان می کند " یکدست " نبوده و ترکیبی است از عناصر مرتجعیت آزادی (بورژوازی مذهبی) از یکطرف و باند مشکوک متشکل از مهره های مورد اعتماد قشر ممتاز روحانیت از طرف دیگر ، که با تکیه بر همدیگر سیاه پستاده اند . اما آنچه از نقطه نظر منافع بوده های ستمدیده مطرح است ، این است که این ترکیب علیرغم یکدست نبودن سیاست واحدی را در جهت استحکام موقعیت امپریالیسم در ایران به پیش می برد و این را در تمام عملکردهای اساسی شان می توان مشاهده کرد .

۱۱ - اشراقی در یکی از سخنرانیهای خود آنگار اعلام کرد: نژیبه از همان زمان که گفت اسلام را نمیتوان در همه جا پیاده کرد ، باید کنار گذاشته می شد (نقل بمعنی) .

اهدای فاشیستی انقلابیون

خلق مرگ

" این کرکسان گرسنه را بنگر ، کجا می روند ؟ در بیابان چیزی نیافته اند تا ببلند ، اما دادگاهها طعمه شان خواهند داد . " (برشت)

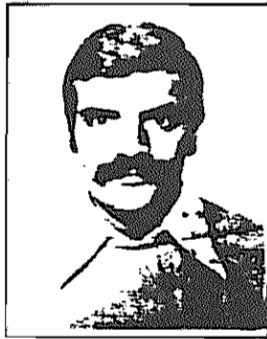
بدنبال انفجاری که در قطار مسافربری خرمشهر - تهران رخ داد و طی آن هشت تن از هموطنان ما کشته و عده ای زخمی به جای ماند ، حادثه ای که تا سفا و انزجار خلق ما را برانگیخت ، بغاصله چند ساعت ، هشت نفر از اهالی عرب خوزستان بسه جوخه های اعدام سپرده شدند . کمال بی خردی است اگر چنانچه اقدامات تروریستی نظیر بمب گذاری در قطار مسافربری به انقلابیون راستین عرب نسبت داده شود . هیئت حاکمه نیز با تمامی سعی که دارد ، نخواهد توانست این وصله ناجور را به انقلابیون عرب بچسباند . تا با تمسک بدان ، که بی گمان کار همان ساواکی هائی است که خود ، آزادشان گذاشته است ، جوانان عرب را دسته دسته روانه مسلخ کند و در عین حال فریبکارانه دم از عدل و داد بزند .

مردم ایران بخوبی میدانند که رژیم شاه نیز بمنظور انتقام کشی دست بابتگونه کشتارهای جمعی میزد . اعدام ۹ رزمنده انقلابی در نهبه های اوین نمونه ای از این انتقام گیریها بود . و اکنون هیئت حاکمه و جلادانی چون مدنی و چندا خوندر مرتجع بیخبال خود شان با بدست آوردن بهانه مناسب ، از فرزندان عرب را بدون رعایت حداقل موازین انسانی به گلوله بستند . اینک چه آنها چه بوده ؟ در کدام دادگاه و طی چه محاکماتی به اعدامشان محکوم کرده اند ؟ اصولاً کی و کجا و به چه دلیل دستگیر شده بودند ؟ دادستان دادرسی انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر در مورد این کشتار وحشیانه داده است نمایانگر اوج بربریت این جلادان است وی میگوید که این هشت تن " همگی به جرم ارتباط با عوامل بیرون مرزی و طی دوره های چریکی و تمهید مقدمات قیام مسلحانه ، طرح انفجار خط راه آهن خرمشهر و جاهای نفت محکوم به اعدام شدند . " توجه کنید به کلمات به کار برده شده و مقابله کنید با وهاشی که رژیم خونخوار شاه ساواک در مورد جنایاتش تحویل مردم می داد . دلایل اعدام را بنگر ، د : " ارتباط با عوامل بیرون مرزی ! " مردم ما می پرسند کیستند این عوامل بیرون مرزی ؟ اگر ریگی به کفششان نیست ، چرا از سفری این " عوامل " خودداری کرده توده ها را در مقابل خطرات این " عوامل " آگاه نمی سازند ؟ واقعیت اینست که چنین عواملی وجود خارجی نداشته و تنها وسیله ای است برای پوشاندن ماهیت این " کرکسان گرسنه " و دروغی است برای فریب مردم .

رژیم پهلوی نیز کسری ها را بجرم فکر رژیم در صفحه ۵

۱۲ - اشراقی در یکی از سخنرانیهای خود آنگار اعلام کرد: نژیبه از همان زمان که گفت اسلام را نمیتوان در همه جا پیاده کرد ، باید کنار گذاشته می شد (نقل بمعنی) .

زندگی سرشار از مبارزه رفیق شهید بهمین عزتی چون شهادتش سرخ و شکوفان بود



رفیق شهید بهمین عزتی، در سال ۱۳۲۷ در روستای الافخانه کرمانشاه، متولد شد. پس از آنکه دبیرستان را به پایان رسانید، در مدرسه سعادت کرمانشاه بطور روزمزد به تدریس پرداخت، او به مطلق عشق می - ورزید و بهمین دلیل بعد از آن که لیسانس تاریخ خود را از دانشگاه تهران گرفت و در سال ۵۴ به دبیری در دبیرستانهای کامیا - ران پرداخت.

رفیق با عشقی فراوان به خلق خدمت میکرد. او در تمامی سالهای تدریسش در دبیرستانها و مدارس کاماران و کرمانشاه، تنها یک دبیر نبود، بلکه با شاگردان خود رابطه عمیق و رفاقت پرشوری داشت. در مدرسه که درس میداد کتابخانه داشت. در شاگردانش را در مسافرتهای دستجمعی با زندگی مردم آشنا می نمود. به مسائل و مشکلات با غمخواری میرسید و با تمام وجودش برای آنان کار میکرد.

رفیق، سست عشق پرشورش به خلق و مسائل انسانی که داشت، چهره ای مردمی و مورد اعتماد بود که برای حل مسائل - شان، و مشورت و گره گشایی، همواره به او مراجعه میکردند، بطوریکه بسوء محکمی میان او و مردم رحمنکس محیط زندگی اش بر - قرار شده بود. عمق این پیوندهای انسانی آنچنان بود که چند نسی از شاگردانش، آنگاه که خبر اعدام غیرانسانی و ساجوار مردانه او را بدست دژخیمان ضد انقلاب شنیدند، تاب نیاورده و دسته خودکشی زدند! رفیق از بس یادگزاران جمعیت دفاع از آزادی زحمتکشان کاماران بود که در ایجاد اتحادیه های دهقانی روستاهای (شه لک) و (صارم آباد) و ... سهم عمده ای داشت.

جمعیت به سبب فعالیت های خود آنچنان با توده زحمتکشان رابطه برقرار کرده بود که کارگران بیکار کاماران تقسیم وام بیکار - ری خود را سه جمعیت سپردند. رفیق و سایر رفقای جمعیت با عشق و علاقه اینگونه مسئولیتها را میبیدیرفتند و انجام میدادند رفیق بهمراه سایر رفقای انقلابی در مبارزات کارگران کاماران برای احقاق حقوقشان شرکت فعال داشت. رفیق همچنین در سازماندهی مبارزات مردم مریوان در مقابل یورش رژیم ضدانقلاب، نقش شایانی داشت. مبارزات یکپارچه ای که ارتش را وادار به عقب نشینی نمود.

بدینگونه، رفیق شهید بهمین عزتی، در هر یک از اسامی زندگی حیات بخش پر - جزوش، چهره ای بویا و انقلابی داشت و قلبی سرشار از عشق به زحمتکشان. هنگامی که درگیری های پاوه بسوء پیوسته بود، رفیق بهمراه دکتر رشوند قصد داشتند دارو و وسائل پزشکی به پاوه برسانند. برای این منظور آنها ساعت ۲ بعد از ظهر ۱۷/۶ از کاماران حرکت کردند. (که این خود دلیل سر عدم شرکت آنان در درگیری های پاوه بر خلاف ادعای دروغس حاکم شرع! است). این دو رفیق زور بکشید در فوری قلعه دستگیر شدند. آنها را ناک تا کربن کشش به رواسر بردند. و پس از دو روز اسارت با سبامات واهی و سبام محرم عشق آتشین به زحمتکشان و مبارزان قهرمانانه در راه خلق بهمراه عده ای دیگر از انقلابیون، سرگاه

زور سه شنبه ۵۸/۶/۲۵ به حوجه آتش سپرده شدند. رفیق در آخرین لحظات زندگی پرشورش شجاعانه هیجواب چشمانش بار نماند تا رفقایش را بسدو دژخمانش بر خود مسلزند و هنگامیکه رگبار گلوله های ضدانقلاب سینه برمهش را سبام او را عمق دلش سرود میخواند و فریاد برمیآورد (کی نه له کورد، مردوه). (کورد هرگز نمی میرد). آری، مبارزان راه خلق هرگز نمی - میرند. شهادت رفیق بهمین عزتی، حشم و نفرت عمیق و ناشی آتشین در قلب آنانکه او را میشناختند، در قلب تمامی زحمت - کشان کاماران که با او رسته بودند، و در قلب تمامی کسانی که از اس حنایت آگاه شدند، ایجاد کرد. نهدرش می گوید: "او چیزی نداشت که ما را بیادش بیاندازد. تمام دارائیش رختخواب او در کاماران است". بهمین نموده است. در قلبهای ما زنده است و مبارزان راه خلق، ادامه زندگی او هستند، زندگی یافته از زندگی و مرگ او یادش گرامی باد.

گرامی ناد خاطر ذوق رفیق شهید کاک حسین پیر خضری

"کاک حسین پیر خضری" یکی از اعضای برجسته، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان بود که توسط حلهالی هیتلر همراه با برادر بررگترش و ۵ نفر از مبارزین مریوان و یک رزمنده، بهرانی سه حوه، اعدام سیرده شد. کاک حسین از کسانی بود که در دوران کودکی با دهقانان بزرگ شده و بهمین جهت خدمت به زحمتکشان جزو گوشت و پیوسته او شده بود. سالها در دهات اطراف دیواندره به مطلق مسئول بود و بعد از مدتی به دهات مریوان رفت. پیوند او با زحمتکشان چنان عمیق بود که مرتجعین مطی جرأت جمله، مستعیم به او نداشتند و همیشه در فکر نوطه علیه او بودند. حتی چند سال از جانب مرتجعین مطی در معرض خطر مرگ قرار گرفت ولی هر بار با سرخورداری از چالاکسی و زندگی حان زحمتکشان، سالم از میلهک فرار کرد. او حان با زحمتکشان خوش خورده بود که مردم او را به اسمیانی ارقبیل "لاله"، "دائی" "مامه" (مجمع عمو) خطاب می کردند. در بیان مسائل سیاسی بر زبان ساده و نوده ای، استاد برجسته ای بود و مشکلات برین مسائل اجتماعی را با صرب، المنل ها و تمثیل های نوده ای بیان می کرد. او، محبه برین، اعمام، "سه کبه سی حوبیاران" و مستو، ساد ا سادیه در شهر مریوان بود. دهقانان در مسائل و مشکلات خود با او مشورت می کردند، و بهمین جهت مسورد کینه و دشمنی مرتجعین و فئودالهای سرور مطی قرار گرفته بود. سازمان هم با نوطه و همکاری آنان سادام دادگاه صحرانی خلخالی ضد بشر افتاد و بطور وحشیانه ای بعد از شکنجه فراوان بدون هیچ محاکمه ای شریاران شد. (تخلیص از غلامیه، ۵۸/۶/۱۹ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان)

چهل روز گذشت...

ای مرغهای طوفان! پروازتان بلند، آرامش گلوله سربی را در خون خویشتن اینگونه عاشقانه پذیرفتید، اینگونه مهربان

نهم مهر ماه مصادف بود با چهلمین روز شهادت دکتر رشوند سرداری و دیگر رزمندگان که در این روز در پاوه به جوجه آتش سپرده شدند، و ۱۵ مهر ماه مصادف با چهلمین روز شهادت دلاوران و انقلابیونیکه در این روز در پادگان سفز توسط عوامل رژیم ضد خلقی حاکم اعدام شدند و ... قدرت حاکم کورد لانه می پندارد که با اعدام انقلابیون همه چمر تمام می شود دولت سرمایه داری و یاران مرتجعش نمی توانند

بفهمند که چون رزمندگان انقلابی، یا از زحمتکشان هستند و یا از ستم سی نایانی که بر زحمتکشان روا می شود، الهام می - گیرند، این حشمه خشک سندی سست، اما تو ای شهید! تو ای شهید زاضطراب تو، دشمن چه ضجه ها که نکرد چه حبله ها که نیسد تو بودی و آتش و لخته های قرمز خون و کوه غریت و تنهایی بعد از تو دشمن بسار کوسد، نام ترا از پیاده ها ببرد و راه را دگر کوبه جلوه دهد خاکستر ترا باد سرگهگان هر جا که برد، مردی ز خاک روئید.

گزارشی از مبارزات کارکنان کشت و صنعت کارون

چندی قبل مدیریت جدید کشت و صنعت کارون عده‌ای از کارکنان سرر و استعفی آن سرس را به بهانه تصفیه و اینکه ما زودتر احتیاج هستیم، اخراج می‌کند. کارکنان که از یکطرف شاهد ابقای افراد نامالح و شناخته شده، رژیم مزدور شاه در پستهای حساس و از طرف دیگر استخدام و جایگزینی افراد مبتدی و بی تخصص بجای کارکنان اخراجی بودند، دست به اعتراض می‌زنند. مدیریت شرکت در نتیجه (یکسی از روستاهای نزدیک شوشتر) جواب هرا اعتراضی را، هر چند کوچک با اخراج و یا تبعید به سایر قسمت‌های شرکت پاسخ می‌گوید و به این ترتیب چنان فضای اختناق و وحشتی ایجاد میکند که بقول کارکنان شرکت، سرهنگ افراسیابی معدوم، رئیس حفاظت شرکت در زمان شاه خائن روسفید می‌شود و چنین است که کارکنان انبارها از صبح روز ۵۸/۶/۲۱ بعنوان اعتراض به اخراج همکارانشان و نحوه عملکرد مدیریت جدید دست از کار می‌کشند. با انتشار این خبر، اشتری رئیس حفاظت که حالا به آن حراست می‌گویند با عجله سراغ کارکنان اعتصابی می‌رود و به کمال بیشرمی می‌گوید: "کدام گروه الاغی شما را اینجا جمع کرده؟ (می‌پرسید؟ برخورد بقدری زنده است که انسان بی اختیار زمان قبل از قیام برایش تداعی می‌شود و سرهنگ افراسیابی رادریشت اشتری می‌بیند!)

کارکنان که خود را با چنین موجودی مواجه می‌بینند او را ببادنا سزا می‌گیرند و از محوطه بیرون می‌اندازند. پس از رفتن وی، کلاهدوز قائم مقام مدیرعامل در نتیجه پیش کارکنان می‌رود و با تهدید از آنها می‌خواهد که به سرکار خود برگردند. کارکنان به حرفها و تهدیدهای او توجهی نمی‌کنند. پس از مدتی پرده سوم آغاز می‌شود و افرادی از طرف کمیته رهبری اسلامی کارون مستقر در نتیجه نزد کارکنان می‌آیند و اظهار می‌کنند که: "اگر سرکارهای خود بازنگردید بازور شما را می‌فرستیم." کارکنان همچنان با عزمی راسخ به اعتصاب ادامه می‌دهند. پس از صرف نهار، در ساعت اربعه از ظهر مقابل اداره مرکزی شرکت اجتماع میکنند. اینبار تعداد زیادی از کارکنان قسمت‌های مختلف به آنها می‌پیوندند. در این هنگام کلاهدوز بهمان جمعیت می‌آید و با نیرنگ و فریب سخنان خود را از اسلام و انقلاب اسلامی شروع میکند و اینکه عمل شما برخلاف خواست رهبران انقلاب است و شما نباید اعتصاب کنید و در این موقعیت حساس هرا اعتصاب کننده‌ای ضد انقلاب است و... اما این حرفه بدلیل روشن بودن ماهیت مدیریت جدید برای کارکنان بی‌شک واقع نمی‌شود. کارکنان خواستهای خود را که از جمله تشکیل شورا و اخراج مدیریت جدید بود، مطرح میکنند. کلاهدوز می‌گوید: "اگر شورا زیر نظر مدیریت باشد و در کار آن دخالت نکند قبول دارم، ولی اگر می‌خواهید شورایی تشکیل بدهید که در امر مدیریت دخالت کند، من با این جور شوراها مخالفم و نمی‌گذارم چنین شورایی تشکیل شود. در مورد اخراج مدیریت جدید هم، اگر من از اینجا بروم

کسی بدتر از من می‌آید، دولت فرشته ندارد که بجای من سران شتاب ورد. هر نفس بجای من بیاید، از من بدتر است." کارکنان که می‌بینند در جواب خواستهای آنها مزخرف می‌گوید، جواب می‌دهند: "همگی شما ضد انقلاب هستید، شما سرمایه داران خون ما را می‌مکید، شما آدم‌های دروغگو و بیشرقی هستید. آنگاه جمعیت با مشت‌های گره کرده و شعارهای "مرگ پر اشری، مرگ بر کلاهدوز، مرگ بر فلاطون" بطرف کارخانه

حرکت میکنند. نزدیک‌های کارخانه شعار خود را به صورت زیر تفتیب می‌دهند: "مرگ بر سه مفسدین کارون - اشتری، کلاهدوز، فلاطون". نظا هر کنندگان در حالیکه کارخانه را دور می‌زدند، شعار می‌دادند: "درما در شماست، ملت بما ملحق شوید" یا "پيام طالقانی، شهادت است و شورا". جمعیت لحظه به لحظه زیاده تر می‌شود، آنگاه کارخانه را بقصد رفتن به قسمت‌های دیگر شرکت ترک میکنند. پس از برزیدن به سایر قسمت‌های شرکت و تعطیل شدن آن قسمت‌ها، همگی در میدان پیروزی اجتماع می‌کنند. (میدان پیروزی، محل تجمع پیروزمند مهرماه گذشته بود و سال درست در سالگشت آن و با وجودیکه رژیم مزدور شاه سرنگون شده اما چون روابط ظالمانه همچنان با برجا است، آنها ناگزیرند برای بررسی راه‌های گرفتن حقوق پایمال شده‌شان با زهم درمان محصل اجتماع کنند.)

ابتدای یکی از کارکنان سخنرانی افشاگرانه‌ای می‌کند و پس از آن قطعنا مه‌ای که خواستهای کارکنان را بیان می‌کند، قراشت میشود. آنگاه با این قرار که روز بعد ۵۸/۷/۱ هیچکس سرکار نشود و در همان میدان پیروزی جمع شوند، محل را ترک می‌کنند. اما جمعیت چنان کینه و نفرتی به مدیریت داشت که با شعار "مرگ بر کلاهدوز" بطرف ساختمان اداره مرکزی که دفتر کلاهدوز و اشتری در آن قرار دارد، حرکت می‌کنند. ورود آنها به ساختمان موجب تعطیل تمام آن قسمت میشود. کلاهدوز با وقاحت تمام کتا رینجره اطاق خود می‌بستد و از جمعیتی که علیه او شعار می‌دادند، سسان می‌بیند. جمعیت با شعار: "مرگ بر کلاهدوز، کلاهدوز اخراج باید گردد." اداره را ترک می‌کنند.

کارکنان روز ۵۸/۷/۱ در مقابل اداره مرکزی اجتماع میکنند. ابتدا اعلامیه‌ای از طرف فرمانداز شوشتر بین آنها پخش می‌شود بدین مضمون: "عده‌ای ضد انقلابی و عمال خارجی شما را تحریک می‌کنند تا این واحد بزرگ تولیدی را بورشکستگی بکشند و دولت انقلابی را ضعیف کنند." اغلب کارکنان اعلامیه‌ها را پاره می‌کنند و با فریاد می‌گویند: "ما ضد انقلابی نیستیم، ما فقط از حقمان دفاع می‌کنیم." پیش از شروع اعتصاب و هنگامیکه تازه زمزمه آن آغاز شده بود، افراد کمیته اسلامی که خود از

کارکنان شرکت هستند ولی آگاهانه و ناگاهانه در خدمت سرمایه داران درآمده‌اند، جلوسویسهای کارگران را می‌گرفتند و می‌گفتند: "کارمندان می‌خواهند با اعتصاب خود، کارخانه را تعطیل و شما را بدبخت کنند، شما در اعتصاب شرکت نکنید. مدیریت شرکت اطلاعیه داده که می‌خواهد ۱۸۱ ربال شما اضافه حقوق بدهد. (این مبلغ یکی از خواستهای کارکنان است که شرکت می‌بایست از اول فروردین ماه ۵۸ پرداخت می‌کرد ولی تاکنون از آن خبری نشده است.) و به این ترتیب می‌خواستند بین کارگران و کارمندان تفرقه ایجاد کنند و آنها را بر علیه

● مشت کارگران بلند و فریاد: "اتحاد، اتحاد، اتحاد علیه سرمایه داران...
● انگشت پا سداران روی ماشه ۳ و ولوله آن به سمت کارگران

کارمندان بشورانند. اما کارگران که صداقت و دوستی کارمندان را در اعتصاب سال گذشته تجربه کرده بودند به حرفهای آنها توجهی نکردند و عده‌ای از آنها در اعتصاب شرکت جستند. حدود ساعت ۱۵ صبح یک دسته پاسدار مصلح بطرف جمعیت می‌آیند. در این هنگام یکسی از کارکنان بلند می‌شود و با صدای بلند داد می‌زند که: "دوستان نترسید، ما ۶۰ هزار کشته داریم و باز هم می‌دهیم، نترسید. انسان یکبار متولد می‌شود و یکبار هم می‌میرد، بگذارید ما کشته شویم تا دیگران راحت گردند و وزیر با ظلم و ستم نباشد." جمعیت هم می‌نشینند. پاسدارها با حالت مسخره و به سبک پلیس آری ماهری دور جمعیت حلقه می‌زنند، انگشت دستهای روی ماشه ۳ و ولوله آن بطرف کارگران. در این موقع سرپرست پاسداران به جمعیت نزدیک می‌شود و عده‌ای دور او حلقه می‌زنند. وی خود را خلف رضائی، رئیس پاسداران اعزامی از طرف دادستان انقلاب اسلامی دزفول معرفی می‌کند، که آمده است تا به اعتصاب کارکنان کشت و صنعت کارون خامه دهد. کارکنان سخت به او اعتراض می‌کنند که این چه حرکتی است که شما انجام می‌دهید، مگر ما اسرائیلی هستیم که مصلح و آنها بحالت هجوم دور ما را گرفته‌اید؟ چرا شما مانند رژیم سابق به حرف سرمایه داران گوش می‌دهید؟ رئیس پاسداران وقتی با چنین صحنه‌ای روبرو می‌شود، کمی خجالت می‌کشد و می‌گوید: "والله من نمی‌دانم، شما گفتند، بروید اعتصاب را خامه بدهید. آنگاه اضافه می‌کنند که: "ما امام اعتصاب و کم‌کاری را حرام کرده و شما نباید دست از کار بکشید و پاک‌کاری کنید، شما می‌توانید از راه اداره کار و یا سایر ادارات به خواسته‌های خود برسید." هنوز حرفش تمام نشده بود که کارکنان با صدای بلند می‌گویند: "ما سه ماه است که به همه جا شاکا بیت کرده‌ایم و خواستار بازگشت همکاران اخراجیمان شده‌ایم، ولی هیچکس بداد ما نرسید."

پس از مدتی بحث و گفتگو، قطعنا مه‌ای که بهای نگر خواسته‌های کارکنان بود خواننده می‌شود، که چند بند مهم آن عبارتند از:
۱ - اخراج مدیریت شرکت در نتیجه
۲ - بازگشت کارکنان اخراجی
۳ - تشکیل شورای کارکنان و...
رئیس پاسداران تهدیدکنی می‌دهد که تا ۱۶ مهرماه، خواستهای آنها را برآورده نکند بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۱۶

بخشنامه‌های ضد کارگری دولت و مقاومت کارگران

دولت ضد انقلاب، در ادامه منطقی تصمیمات و سیاستهای ضد کارگریش، بخشنامه ای صادر کرده است دایر بر اینکه تعطیلی پنجشنبه‌ها میبایستی در کلیه کارخانه‌ها لغو شود و در عوض ساعت روزانه کار از هشت ساعت به هفت ساعت تقلیل یابد. پنجشنبه‌ها هم ساعت کار ۵ ساعت باشد. یکی از دلایل این تصمیم ضد کارگری اینستکه دولت سرمایه‌داران معتقد است که کارگران در ساعت هشتم به علت خستگی دارای بازده کار مناسب نیستند. آری منطق سرمایه‌داری همواره در مقابل منطق زحمتکشان قرار دارد. کارگران میگویند ۴۰ ساعت در هفته، و بورژوازی تمامی مرتجعین میگویند، ۴۸ ساعت کار در هفته، آنهم کاری که حداکثر ارزش اضافی را بدست دهد. اما میوه چینیان انقلاب که گمان میبرند که حتی را که کارگران از حقوق رژیم شاه بیرون کشیده اند اینها توان بازپس گرفتن اش را خواهند داشت، کور خوانده‌اند! اولین عکس العمل های کارگران گویای این حقیقت است:

پالایشگاه آبادان

در پی بخشنامه دولت مبنی بر لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها در تاریخ ۵۸/۷/۲۴ بخشنامه‌ای از طرف هیئت ریشم پالایشگاه و خدمات آبادان صادر گردید که بلافاصله توسط کمیته نمایندگان منتخب کارگران پالایشگاه اطلاعیه‌ای صادر و بطور وسیع در مقابل بخشنامه ضد کارگری شرکت نفت در پالایشگاه توزیع میگردد. متن اطلاعیه کارگران چنین است:

از کمیته نمایندگان منتخب کارگران پالایشگاه آبادان به ریاست پالایشگاه آبادان پیرو بخشنامه مورخه ۵۸/۷/۲۴ شماره ۸۲/۵۸ هیئت رفیعه پالایشگاه جهت کار در روزهای پنجشنبه، کمیته کارگران پالایشگاه آبادان قاطعانه اعلام میدارد، از آنجا که تصمیم متخذه بدون مشورت نمایندگان کارگران بوده بدینجهت کارگران کما فی السابق ساعت کار فعلی را ادامه خواهند داد.

کمیته نمایندگان منتخب کارگران پالایشگاه آبادان روز شنبه ۵۸/۷/۷ کارگران می بایست طبق مفاد بخشنامه صادره شرکت نفت از ساعت ۷ صبح تا ۲ بعد از ظهر کار کنند (یعنی ۷ ساعت در روز) ولی کلیه کارکنان متحصداً تا ۳ بعد از ظهر در محل کار خود مانده‌اند و حتی راننده‌های اتوبوس هم حاضر به خارج شدن از گاراژ نشدند و بدینترتیب از پیروی

قرار می داد، تشکیلات سراسری و بیرق‌دست سنی کارگران وجود نداشت. کارگران پیشرو در زمینه سازماندهی مبارزات کارگران از تجربه زیادی برخوردار نبودند و به اهمیت تشکیلات منظم و آهنگین برای کارگران پی نبرده بودند. در همین حال (به ویژه در تهران) تعدادی از نمایندگان کارگران بیکار، نمایندگان واقعی کارگران بیکار نبودند و بیشتر برای ارضای تمايلات خود پیشقدم شده بودند. کارگران نمایندگان خود را در عمل نشان نداشتند. اختلاف ما بین نمایندگان کارگران بیکار زیاد بود و اغلب آنها برسریوه‌های مبارزه به تنه‌ها و اتحاد نظر نمی‌رسیدند.

در بین نمایندگان افرادی نیز بودند که در دایره تنگ خودبینی افتاده و تندروی بوج به تمام حرکات آنها سایه افکنده بود. اینان گاهی بقدری تند می‌رفتند که از خواست کارگران مرستگها فاصله می‌گرفتند و از آنها بیکانه می‌شدند و گاه برعکس چون پشتوانه اینگونه افراد منطبق کارگر نبود که مسایل را حل نماید حتی اغلب بدم انحراف از مسیر اصلی و سازش می‌افتادند. این عده بجای پیگیری طرح اصولی "حق بیمه" بیکاری، "وام بیکاری" را پذیرفتند و موجب شدند که تشکیلات کارگران عملاً از درون موردتجاوز دشمن قرار گیرد. نمایندگان هم بودند که بدلیل وابستگی به جریان‌های سیاسی منحرف و خاش (نظیر حزب توده و سایر جریان‌های انحرافی و وابسته) اصولاً معتقد بودند که مبارزات کارگران موجب تضعیف "دولت انقلابی" می‌گردد و کارگران باید که به همان مقداری که دولت می‌دهد، رفاقت دهند! اینها از پشت به کارگران خنجر می‌زدند و خیانتکاران به طبقه کارگر هستند.

در حال حاضر بعد از گذشت بیش از ۶ ماه از مبارزات متشکل کارگران بیکار، نمایندگان واقعی کارگران تا حدود زیادی شناخته شده‌اند. عناصر نا پیگیر، در عمل نشان داده‌اند که تا به آخر با کارگران نیستند، خیانتکاران هم از چشم تیزبین کارگران دور نمانده‌اند. در حال حاضر امکان انتخابات صحیح نمایندگان واقعی کارگران آماده تر شده است.

۴- نبودن تشکیلات واقعی:

همانطور که گفته شد، کارگران بدلیل کمی تجربه نتوانستند تشکیلات واقعی خود را بغوریت بوجود آورند. در همین حال نبودن رهبری واحد بر مبارزات کارگران بیکار، سازماندهی کارگران بیکار را بسا مشکل روبرو ساخت. طرحهای مختلفی از جانب نمایندگان و جریان‌های گوناگون مطرح شد که هیچکدام واقعی نبودند. بی تشکیلاتی کارگران ۲ ماه بعد از عید ادامه داشت. ۳ ماه پیش، کارگران پروژه‌ای اقدام به تأسیس سندیکا های واقعی خود نمودند و چون این طرح اصولی بود، موفق شد طی مدت کوتاهی کارگران بسیاری را جمع آوری نماید. تشکیل سندیکاها و تحکیم آنها ادامه داشت که جریان حمله هیئت حاکمه به کردستان، روزنامه‌ها، نظارات مسالمت آمیز مردم و خانه کارگر پیش آمد. رژیم ضد انقلاب با حمله خود به خانه کارگر نشان داد که حتی ابتدای ترین آزادیهای صنفی را برای کارگران تحمل نمی‌کند. بعد از آن، بگدوره رکود ۱/۵ ماهه بر مبارزات کارگران بیکار چیره شد (هرچند نمایندگان واقعی و کارگران مبارز بیکار، دست از مبارزه نگرفتند و در نهان امور تبلیغی - ترویجی - سازماندهی را رهبری کرده، پیش می‌بردند). کارگران بیکار قصد داشتند بعد از نمودن سندیکا های خود، اقدام به تشکیل "اتحادیه کارگران پروژه‌ای" بنمایند. این هدف همچنان در دنبال می‌شود.

در این حین دولت ضد انقلاب، به همراهی "وزارت سرمایه" اش کوشید مبارزات کارگران را منحرف نماید در این راه حزب توده و سایر جریان‌های انحرافی و وابسته نیز تمام تلاش خود را بکار بردند و بدین ترتیب همدستان با وفائی برای دولت ضد انقلابی بودند. رژیم برای تقویت سندیکا های وابسته‌ای که از جانب حزب توده ایجاد شده بود، بدون هیچگونه مبارزه‌ای پرداخت وام بیکاری را به آنان سپرد (در آبادان، تهران و ...). وزارت سرمایه سندیکا های فرمایشی آنان را به رسمیت شناخت!

هنگام کشایش خانه کارگر که هنوز اول کار بود و به همین جهت کارگران باید مبارزه می‌کردند و خطرات و مشکلات را قبول می‌کردند، این دلان جیره خوار تا زمانیکه خطر رفع نشده بود، در لاک خود غریبه بودند. لیکن هنگامیکه محصول رسید، داسها را برای درو آماده کردند تا زودتر حاصل مبارزه کارگران را درآسیاب آریابان خود بریزند. موقعیکه کارگران مبارز مبلغ ۱۰۰۰ تومان وام بیکاری و حق اولاد را از دولت می‌خواستند، این آقایان با خوشرفی تمام به ۷۵۰ تومان حاضر راخی شده و نشان دادند که در مواقع حساس شعر خبیانت خود را بر پشت کارگران فرو می‌برند. واضح است که دولت ضد خلقی نیز خواهان ابزار مناسبی است تا از آن بعنوان چماق سرکوبی طبقه کارگر استفاده نماید. این آقایان با خیانتهایشان به طبقه کارگر، به دولت ضد خلقی نشان دادند که اگر در درون طبقه کارگر جابگیرند، می‌توانند با لباس کارگری کارگران را از درون متلاشی نمایند. بنا بر این بطور معجزه آسای، بدون کوچکترین مبارزه، صاحب طبقه بالای خانه کارگر شدند!!

در حال حاضر عده‌ای سرسپرده به رژیم سعی دارند با تشکیل باصطلاح "کنفدراسیون کارگران ایران" تشکیلات وابسته به رژیم را ایجاد کنند. این باصطلاح کنفدراسیون، از پشتوانه کارگری برخوردار نیست. عده‌ای معدود از کارگرفروشان گذشته با حمایت دولت ضد خلقی، اقدام به ایجاد این تشکیلات قلابی کرده‌اند وزارت سرمایه آشکارا و در نهان، شدیداً از اینها دفاع می‌کند! لیکن مشت این خودفروختگان از قبیل درنزه کارگران باز است و دیگر حتی آنان رنگی ندارد.

در مورد چگونگی تشکیلات کارگران بیکار، مادر "بیکار" شماره ۱۳ و "کارگر به پیش" شماره ۲ مفصلاً بحث کرده‌ایم. در آنجا ما پیشنهاد تشکیل "اتحادیه‌های پروژه‌ای" (و در نهان به اتحادیه سراسری کارگران پروژه‌ای)، پیشنهاد تشکیل کمیته‌های از کارگران بیکار اصناف و کارخانه‌های کوچک و بزرگ که اخراج شده‌اند را نموده‌ایم، که در آخر به تشکیل "گائون سراسری کارگران بیکار" می‌انجامد. ما اقدام به انتشار مجدد این طرح خواهیم نمود.

بقیه در صفحه ۱۰

بقیه در صفحه ۱۰

حق بیمه بیکاری "هم حق کارگران بیکار است، هم حق کارگران شاغل"

نقشه از صفحه ۹

۳- نبودن "طرح" واحد:

چون رهبری و تشکیلات واحد وجود نداشت، ممکن شد که کارگران حول یک طرح مشخص گردآیند، کارگران بیکار ار همان ابتدا، خود طرح "حق بیمه" بیکاری را مطرح نمودند (در تخصص وزارت کار)، لیکن بهمدون دلیل رخصه، عناصر جیب‌ساز و مارشک‌کار در رهبری کارگران بیکار و ناآگاهی عده‌ای دیگر از نمایندگان، ریح "وام بیکاری" رژیم مورد پذیرش قرار گرفت.

در جلسه‌ای که نمایندگان کارگران بیکار ارسراسر ایران در آن گردآمده بودند، طرح وام بیکاری برد استفاده قرار گرفت، لیکن رفقای نماینده‌ای که بر طرح "حق بیمه" بیکاری با فشاری می‌کردند در نهایت قرار گرفتند. همانطور که گفتیم، رژیم طرح وام بیکاری را از آن جهت غلظ کرد که کارگران را به انحراف کشتانیده برداخت مقدار ناچیزی پول به عده‌ای از کارگران، درسی آنها دودستی و پراکندگی ایجاد نماید و تشکیلات کارگران را سرهم ببرد. کارگران را با دادن وام، تحمیل و تحقیر کند و با بطور وانمود کند که حق بیکاری "حق شانسیت، بلکه با دادن وام شما لطف کرده، صدقه می‌دهیم!! و مهم‌تر از همه، رژیم بدافغان با طرح "وام بیکاری" میخواست از زیر بار مسئولیت سرگردن شکم‌میل‌پوشانان کرسه‌مرا رکنده، که کرد!

رژیم سابق طرح در درجه اول تشکیلات کارگران را مورد حمله قرار داد. به این ترتیب که کارگران بطور انفرادی در مقابل دولت قرار می‌داد. رژیم با ایجاد "صدوق وام بیکاری" کارگران را شک‌سز می‌آورد و مطالبی میل خود و مواظب ساختگی خود، ساآسان رفتار می‌نمود. به همین نحو بود که توانست ر ۲/۵ میلیون نفر بیکار، فقط به ۱۲۰ هزار نفر وام پرداخت نماید!

"حق بیمه" بیکاری به کارگران می‌نهاد که کل طبقه کارگر توسط طبقه سرمایه‌دار استثمار می‌شود. سرمایه‌داران زما سکه عده‌ای از کارگران بیکار می‌شوند، دولت نماینده سرمایه‌داران میبایستی فستک کوچکی ر درآید سرمایه‌داران را که استثمار کار کارگران حاصل شده است، بصورت "حق بیمه" بیکاری به کارگران پرداخت نماید، لیکن دولت موقت با طرح وام بیکاری قصد فریب و تحقیر کارگران را داشت، آنها به کارگران می‌گفتند: "شما پول مفت می‌خواهید!! کار نکرده، مزد می‌خواهید!!" [از رفتنار وزیر سرمایه سابق سابق مرور درآیدان]. این نماینده سرمایه‌داران می‌خواهد سرمایه‌داران و حشانه کارگران توسط سرمایه‌داران جو حواری سرپوش بگذارد، لیکن رسواتر از آن است که بتواند!

هم‌اگون رژیم درصدها است که همس مقدار ناچیز وام بیکاری راهم دیگر پرداخت نمایند. دولت ضد-غلاب زما سکه از یک طرف ساررات کارگران و سایر بوده‌های خلق ما اوج می‌گرفت، از طرف دیگر هنوز عواصمه بود و مسائل سرکوشگر (ارزش، پلیس، ساواک جدید و...) را که در دوره قسام متلاشی شده بود، ارساری کند، اقدام به عقب‌نشینی‌های محدودی نمود. لیکن حالا سعدادر گذشت ۷ ماه از قیام بهمین ماه دولت توانسته است تا حدود زیادی ارتش، ساواک، پلیس و... را سازماندهی کرده، تحکم نماید. رژیم ساکمک این وسائل و اسرار، جنگ حوساری را بر سر نهاده‌های خلق ما اعمال نموده و می‌رود تا تمام دستاوردهای تمام رادوساره نارپس بگرد. حمله به کردستان، ستن روربا مه‌ها، حمله به نظارات مالمت آمیز مردم حمله به سازمان‌های سیاسی، اتحاد جوسامور و حقان شدید و... گوشه‌هایی از کوشش رژیم برای زیر پا گذاشتن دستاوردهای قسام است. سپرداخت "وام بیکاری" گوشه بسیار کوچکی از این دستاوردها بود که حالا مورد بورش رژیم قرار گرفته است.

اسپا گوشه‌ای از تحارب عظیم منازات پرشکوه شما کارگران مبارز است. این تحارب به ما می‌آموزند که:
۱- به "دولت موقت" اغلاب!! هیچگونه اعتماد و اطمناسی نداشته باشیم. این دولت به می‌خواهد و به می‌تواند به درخواست کارگران پاسخ مناسب بدهد. طی این مدت، دولت موقت اقدام به توطئه‌گری، محرف کردن کارگران، سرهم ردن تشکیلات آنان، حمله به جمعیات آنان و حتی کشتار و سرکوشن کارگران نموده است. هیئت حاکمه اقدام به ستن خانه کارگر نموده است. کارنامه این دولت طی ۷ ماهی که از تشکیل آن می‌گذرد، براساس حساب به خلق، کشتار و سوده‌های رحسکت و محکم کردن جای امپریالیست‌ها، ساراسی چه اعتمادی می‌توان به آن داشت.

۲- در انتخاب نمایندگان خود میبایست دقت و اسرزی صرف نمائیم. عناصر مارشک‌کار و ناچیزگیر و سوزده عناصر خودمروخته و حیانتکار به طبقه کارگر را میبایست در صفوف خودمانا و طرد کنیم.
۳- تشکیلات و فقط تشکیلات واقعی خود را بوجود آوریم. فقط و فقط تشکیلات است که خامن بیروزی کارگران می‌سازد. سندیکاها، اتحادیه‌ها و سایر تشکیلات واقعی خود را بوجود آوریم. از تشکیلات واقعی موجود خود حمایت و پشتیبانی نموده، در حفظ آن بکوشیم.
۴- حول طرح "حق بیمه" بیکاری متحد شویم. صحت اس طرح راه میان کارگران برده، توطئه‌های رژیم ضد خلق و اسادی خودمروخته، آسرافشا کرده، اهداف ضدانقلابی آنان را در ریس "وام بیکاری" خنثی نمائیم.

کارگران مبارز!

سندیکاها و تشکیلات واقعی خود را بوجود آورید!
حول شعارهای زیر متحد شوید:

- ۱- "کار" برای بیکار، ایجاد باید گردد!
- ۲- "حق بیمه بیکاری" پرداخت باید گردد!
- ۳- نباید کارگر اخراج گردد!
- ۴- "خانه کارگر" آزاد باید گردد!

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۹

از بخشنامه دولت ضد کارگری بازگان سرباز زدند. کارگران ۳ سعد از ظهر که بمنزل می‌رفتند از عمل انقلابی و یکپارچه خود ذوق زده شده و این موفقیت را با دست دادن به یکدیگر و با بلند کردن دستها و گره زدن آنها بیکدیگر به هم تبریک میگفتند.

"چاره رنجبران، وحدت و تشکیلات است"

در صنایع فولاد

اکثریت کارگران صنایع فولاد که حدود ۷۰۰۰ نفر میشوند روز پنجشنبه را بسرکار نرفتند. کارگران مبارز این مجتمع با عزم راسخ تصمیم گرفتند که در مقابل این طرح ایستادگی کنند.

شرکت نفت آغاچاری

کارگران صنعت نفت آغاچاری نیز با نزدیک شدن اولس پنجنشنبه بعد از صدور بخشنامه دولت برای تصمیم گیری در مورد آن اجتماعاتی را در فستنها و "یونیت" های مختلف بوجود آوردند و همه یکپارچه معتقد بودند که بایستی در مقابل این طرح ایستادگی کرد، تنها اختلاف کارگران و کارمندان شرکت در این بود که آیا بایستی بسر کار آمد و کار نکرد یا اینکه اصلا نباید بسر کار آمد. که بالاخره اکثریت قریب با اتفاق کارگران شرکت روز پنجشنبه بسر کار نرفتند. کارگران در جریان این امر باز هم بیشتر به ماهیت "شورای اسلامی" شرکت آشنا شدند. شورائی که بانحسا کوناگون می‌کوشید کارگران را به کار کردن در روز پنجشنبه متقاعد کند.

صنعت نفت اهواز

اینجا هم کارگران مانند اکثر جاها روز پنجشنبه بسر کار نرفتند. توجه جوانند گان را به اعلامیه "کارگران مبارز صنعت نفت اهواز" که در رابطه با بخشنامه ضد کارگری دولت انتشار یافته جلب می‌کنیم:

چرا پنجشنبه‌ها کار نمی‌کنیم؟

یکی از اقدامات انقلابی که توسط کارگر-ان ایران بعد از قیام بهمین ماه صورت گرفت کم کردن ساعات کار از ۴۸ ساعت به ۴۰ ساعت در هفته (تعطیل پنجشنبه‌ها) بود. هیئت حاکمه قطعی در این ۷ ماهی که بحکومت رسیده مرتجعانه سنگر به سنگر با هر چه ارمان قیام پرشکوه بهمین ماه بود، جنگیده است و حقوق کارگران و دیگر اقشار انقلابی جامعه را هر روز بیش از روز پیش پایمال کرده است. سرکوب خلق آزاده کرد که خواهان رفع ستم ملی و خودمختاری در جار - بقیه در صفحه ۱۱

فان ، همسکن ، آزادی

اعتصاب و تجمع کارگران فاسترویلر «تهران - جنوب»

ندارد. کارگران در جواب گفتند: «اگر سو مسئولیتی نداری پس چرا خواسته‌های ما را دو ماه قبل گرفتی و به ما قول دادی که به آن رسیدگی می‌کنی؟!» که ظالمانی جوابی نداشت. و کارگران با شعار «مرگ بر ضد کارگر» او را از اجتماع حود راندند.

کارگران صصاً به تمام نمایندگان اخطار کردند که هیچ نماینده‌ای حق تبادل نظر با کارفرما و عمالش را بدون درجریان مستقیم قرارداد آن کارگران ندارد. سپس یکی از کارگران اعلامیه «صدکارگری بازرگان» را (که در آن دستور اخراج «اخلالگران» و «ضدانقلابیون» را صادر کرده است) افشا ساخته و اشاره می‌کند که توطئه‌ای در حال تکوین است که طی آن می‌خواهند بایک جابجائی کارگران، کارگران مبارز را اخراج کنند. کارگران تا ساعت ۲ بعد از ظهر به تجمع خود ادامه می‌دهند.

روز سه شنبه ۷/۳ دوباره کارگران از ساعت ۹ صبح جلوی دفتر کارگزینی جمع می‌شوند و چند کارگر مبارز سخنرانی کرده، ماهیت دولتهای سرمایه‌داری و توطئه‌های کارفرما را افشا می‌کند. و کارگران شعار «زنده باد کارگر»، «مرگ بر سرمایه‌دار» می‌دهند. سپس یکی از کارگران حمله‌های جدید کارفرما در مورد بزرگ کردن کمیونیم برای کارگران توضیح می‌دهد و آنرا با لفظ اخلالگر و... رژیم سابق مقایسه می‌کند و همچنین ماهیت نیروی ویژه کارخانه را افشا می‌سازد. در این موقع کارگران دوباره، ظالمانی مدیرعامل را بمیان جمع می‌آورند. ولی او با زهم خود را غیرمسئول و هیچ‌کاره می‌خواند. پس از این کارگران تصمیم به راهپیمائی می‌گیرند و در قسمت‌های مختلف صنایع فولاد به راهپیمائی می‌پردازند تا به طبقه مرکزی صنایع فولاد می‌رسند. شعارهای کارگران از اینقرار بود:

کمیته ویژه ما باید گردد

کمیته ویژه ما نبود باید گردد

شورای انقلابی ایجاد باید گردد.

شورای انقلابی ایجاد باید گردد

اشعری (۱) اخراج باید گردد.

پنجشنبه تعطیل است

پنجشنبه تعطیل است

سپس کارگران با صفوف متشکل از طبقه سوم بطرف دفتر شرکت برمی‌گردند و دائماً همان شعارها را تکرار می‌کنند. در همین موقع ظالمانی حدود ۵۰ نفر از کارگران ناآگاه را جمع کرده و با بزم تبلیغات که اینها کمیونیم و ضدخدا و اخلالگرند آنها را آماده حمله به صفوف متشکل کارگران می‌سازد. آنها با چوب و چاق و به کمک افراد اغزائی از طرف کمیته به صفوف متشکل کارگران حمله‌ور می‌شوند. ولی کارگران علی‌رغم اینکه چندین برابر چاق داران بودند و سواحی می‌توانستند با این عده مقابله کنند با هوشیاری از درگیری

همانطور که در گزارش فستولی (به کار ۲۲) آمد، روز یکشنبه ۶/۲۵ کارگران شرکت فاسترویلر بدعوت «شورا» تجمع می‌کنند ولی در همین تجمع که بعضی از نمایندگان مبارز شورا ترتیب داده بودند، ماهیت «شورا» از طرف این نمایندگان مبارز افشا می‌گردد. و کارگران تصمیم می‌گیرند تا بر آوردن تمامی خواسته‌ها (لیست کامل خواسته‌ها که حدود ۲۳ خواسته را دربرمی‌گیرد در چند هفته قبل تحویل مدیرعامل شرکت شده و اوقول رسیدگی به آن را داده بود ولی امر عملی شدن آن خبری نشده بود.) از تجمع و اعتصاب دست بردارند. ولی روز سه شنبه همان نمایندگان قلابی که در شماره قبل از آنها صحبت شد، با زهم بمیان کارگران رفته و از آنها می‌خواهند که تا روز شنبه ۶/۳۱ به کارفرما برای بر آوردن خواسته‌ها مهلت دهند و با طرح مطالبی از قبیل: «دولت جمهوری اسلامی تضعیف نشود»... بالاخره کارگران را راضی می‌کنند تا به سرکار بازگردند.

روز دوشنبه ۷/۳

در این روز یکی از کارگران «برناکار» کارگاه لورگی در حین انجام کار دچار سوختگی شده و قسمت‌های زیادی از بدنش می‌پوزد. ولی آمبولانسی برای بردن این کارگر به بیمارستان وجود نداشت. به همین دلیل کارگر مزبور می‌تواند دو و درمان می‌ماند. این حادثه یکبار دیگر چون جرقه‌ای به انبار باروت خشم کارگران عمل می‌کند و با زهم ظلم آشکاری را که به آنها می‌شود آشکار تر می‌سازد. یکی از خواسته‌های مکرر و قبلی کارگران قرارداد چهار دستگانه آمبولانسی با وسایل مجهز در نقاط مختلف شرکت برای چنین مواقعی بود. این حادثه یکبار دیگر ماهیت ضدکارگری کارفرما را آشکار می‌سازد و کارگران «لورگی» از اینکه به خواسته‌های کوچک آنها هم رسیدگی نمی‌شود، شدیداً خشمگین شده و روبروی کارگزینی شرکت جمع می‌شوند. در این موقع کارگران قسمت‌های دیگر شرکت ها هم (کورف، اچ.وای.ال و سو فرساید) نیز به کارگران لورگی می‌پیوندند و اجتماع بزرگی را با حدود ۳۰۰۰ کارگر بوجود می‌آورند.

ابتدای یکی از کارگران سخنرانی کرده و ضمن افشای ستم از نمایندگان (که کارگران مبارز قبلاً در طی اعلامیه‌ای آنها را افشا کرده بودند) از خواسته‌های برحق کارگران دفاع کرده و اعلام می‌دارد که: «اینبار گول وعده و وعید کارفرما را نخورده و تا رسیدن به تمام خواسته‌هایمان و تا زمانیکه نمایندگان دولت برای رسیدگی نیابند اعتصاب را ادامه می‌دهیم». بعد از چند ساعت ظالمانی «مدیرعامل شرکت فاسترویلر (تهران جنوب)» را کارگران با زور به اجتماع می‌آورند. ظالمانی که خود را باخته بود در مقابل پرسش کارگران نسبت به جواب خواسته‌ها خود را هیچ‌کاره می‌خواند و وانمود می‌کند که هیچگونه مسئولیتی

(۳) - در این مورد اعلامیه‌ای نیز در تاریخ ۵۸/۶/۲۹ از جانب مدهای از کارگران مبارز این شرکت، انتشار یافته است.

جواب ابرسانی دیگران است. هستند. سرکوب دهقانی که زبانه‌های اربابان مفتخور را بین خودشان تقسیم کرده‌اند، حملات مسلحانه به حصنها و اعتصابات کارگزارانی که برای بهبود وضع زندگیشان مبارزه می‌کنند و «ضدانقلابی» خواندن آنها، حمله به مسوغات مترقی و توفیق تشریفات و بسرا - ابداع کتابسوزان و بستن دفاتر گروهها و سازمانهای انقلابی و... از جمله اقدامات ضد کارگری هیئت حاکمه فعلی است. آخرین اقدام ضد کارگری دولت بازرگان و شوروی انقلاب، لغو تعطیل پنجشنبه‌هاست. دولت میگوید: چون باره کار در ساعت پایان کار روزانه کم است، لذا، کارگران و کارمندان روزهای پنجشنبه نیز باید سر کار حاضر شوند، یعنی روزی ۷ ساعت و پنجشنبه‌ها ۵ ساعت این است که در کارخانجاتی که شیفت کار نمی‌تند، به حساب تلف شدن یکروز راضی و استراحت کارگران سود بیشتری به حساب سرمایه‌داران زالمصفت سرازیر می‌شود ولی آنها تنها علت لغو تعطیل پنجشنبه‌ها همین است به شرکت نفت نگاه کنیم: همه کارگران و کارمندی که مستقیماً در تولید شرکت دارند، شیفت کار هستند و تعطیل پنجشنبه‌ها هیچ تأثیری در تولید ندارد. کارگران و کارمندان تعمیرات، کارگران «هاسوس کیمپینگ» و کارمندان ادارات و... بصورت روز کار هستند و بدلیل اینکه از یکطرف به علت دور بودن واحدها از شهر و پراکنده بودن آنها مقدار زیادی از وقت آنها در راه تلف می‌شود و از طرف دیگر افراد آماده برای موارد اضطراری تعمیرات وجود دارد، تعطیل پنجشنبه‌ها اشکالی در تعمیرات ایجاد نمی‌کند. یکروز کار اضافی در شرایط گرمای طاقت‌فرسای خوزستان و خستگی ناشی از آن کارگران را هر سوخته می‌کنند. کارگر به هیچ چیز زندگی‌ش نمی‌رسد و تمام روز حمله مجبور است به گرفتاریهای شخصی و خانوادگی بپردازد. اگر کارگران کارهای ضروری و مسائل شخصی شان را در یکی از این دو روز تعطیل حل کنند، روز دیگر راضی - توانند کتاب بخوانند، بدوستان کارگر خود سر بزنند و راحه به مسائل مملکتی صحبت کنند، با روشنفکران ارتباط برقرار کنند و... و مسئله همین جاست:

دولت بازرگان نه تنها در پی تأمین هر چه بیشتر منافع سرمایه‌داران زالمصفت است، بلکه از آگاه شدن کارگران هم شدیداً وحشت دارد. کارگران و کارمندان مبارز! - با اتحاد و همبستگی خود توطئه ضد کارگری و ضد خلقی هیئت حاکمه را خنثی نمائید.

- هدفهای این عمل ضدکارگری هیئت حاکمه را برای دیگران توضیح دهید.

- با کارگران به روال سابق، پنجشنبه‌ها را خودتان تعطیل کنید. در روزهای هفته ساعت کار کنید و پنجشنبه‌ها سر کار حاضر نشوید.

برقرار باد اتحاد و همبستگی همه کارگران و کارمندان صنعت نفت

۵ / ۷ / ۵۸ کارگران مبارز صنعت نفت اهواز

(۱) - اشعری یکی از عناصر ضدکارگر عضو مدیریت روابط عمومی شرکت است.

اعتماد و تجمع کارگران فاسترویلر (تهران جنوب)

خودداری کرده و متفرق می‌شوند. در همین موقع طالقانی به میان کارگران رفته و خود را نماینده دولت، قائم مقام مدیرعامل و همه کاره شرکت معرفی می‌کند. وطن سخرانی برای جماعتاران، کلیه کارگران اعتمادی را که تعدادشان به ۴۰۰۰ نفر می‌رسد ضدانقلابی خواند. در این روز کارگران قطعنامه‌ای صادر می‌کنند که ملاحظه می‌کنید:

قطعنامه

۱) ما خواستار برکناری بعضی از اعضای شورای مرکزی فعلی و برگزاری انتخابات مجدد برای ایجاد یک شورای مستقل و واقعی هستیم.

۲) ما خواستار رسیدگی فوری به کلیه خواسته‌های برحق و قانونی خود که تا کنون با بی توجهی مسئولین امر مواجه بود، و خواسته‌های ما کارگران را غیر قانونی خوانده‌اند، بوده و دیگر هیچگونه صبر و انتظاری به هیچ قدرت غیر مسئول نخواهیم داد.

۳) ما خواستار انحلال "نیروی شیطانی" ویژه که کارگران و نمایندگان مبارز آگاه را تهدید، تشقیق و مضروب می‌سازد، هستیم.

۴) ما در اینجا پیمان می‌بندیم که اتحاد فولادین خود را تا رسیدن به خواسته‌های برحقمان از دست ندهد و تا آخرین قطره خون خود در مقابل توطئه‌های مسز دوران کارفرما و دیگر مسئولین پاسداری خواهیم کرد.

کارگران پیمانی

فاسترویلر - تهران جنوب
۵۸۷۳

روز چهارشنبه کارگران دوباره جلوی کارگزینی جمع می‌شوند و یکبارچه اعلام میکنند که پنجمین بار به سرکار نخواهند آمد. و با شعار پنجمین تعطیل است - پنجمین تعطیل است، متفرق می‌شوند.

روز پنجمین عده‌ای از مرتجعین و افراد ناآگاه شرکت به سرکار می‌آیند. آنها که همدیگر را پیدا کرده بودند به کمک کارفرما عوامل مزدور نقشه‌ای می‌چینند تا کارگران را روز شنبه به سرکار برگردانند.

روز شنبه آنها از اول صبح بادر دست گرفتن عکسهای آیت‌الله خمینی و طالقانی و با پخش یک اعلامیه خوش آب و رنگ که به کمک کارفرما تهیه کرده بودند و خود را کارگران "وحدت طلب" معرفی می‌کردند، دست به راهپیمایی زده و همه کارگران را جلوی مسجد "لورگی" جمع می‌کنند. آنها که تا این لحظه شعارهای وحدت طلبانه می‌دادند، شروع به تفرقه انداختن در صفوف کارگران می‌کنند و از همان حربه‌های معمول کارفرما استفاده میکنند و چنین وانمود می‌سازند که اعتماد کارگران نه از روی خواسته‌های برحق آنها بلکه ناشی از تحریک عده‌ای بی‌خداست. به این طریق و با یک نقشه حساب شده از احساسات کارگران حداکثر

سوء استفاده را کرده و از کارگران می‌خواهند که تا دو هفته دیگر به کارفرما برای برآوردن خواسته‌هایشان فرصت دهند. آنها ضمناً کارگران حاضر را راضی می‌کنند پنجمین بار به سرکار تفریق دولت جمهوری اسلامی و امام خمینی به سرکار بیایند.

آخرین خبر حاکیست که عده‌ای از کارگران روز یکشنبه به سرکار می‌روند.

آری! یکبار دیگر کارفرما به کمک عواملش و با سوء استفاده از ناآگاهی و احساسات مذهبی کارگران موفق می‌شود در میان نشان تفرقه انداخته و مبارزترین کارگران را که در روزهای قبل بعنوان سختکوی کارگران کار می‌کردند و کارگران را نسبت به توطئه‌های کارفرما آشنا می‌ساختند و اتحاد و همبستگی آنها را محکم می‌ساختند، ضد انقلابی بخواند. ولی آیا آنها خواهند توانست، مدت زیادی از این طریق کارگران را بفریبند و در مقابل خواسته‌های برحق آنها مقاومت کرده و زیر پوشش اسلام آنها را بفریبند؟ از نظر ما به هیچ وجه. کارگران عنقریب ما هیت همه عناصر ضدکارگر را در ره‌لباسی خواهند شناخت و همچون گذشته به مبارزات پیگیر خود تا سرنگونی کامل استثمار فرد از فرد ادامه خواهند داد.

در پایان توجه شما را به متن اعلامیه‌ای که توسط گروهی از کارگران مبارز فاسترویلر انتشار یافته جلب می‌کنیم:

اعتصاب تأیید روزی کامل

ادامه دارد

روز دوشنبه یکبار دیگر ثابت شد که خواسته‌های ما کارگران برحق و هیجانی است. یکی از خواسته‌های اعلام شده ما، داشتن چهار دستگاه آمبولانس مجهز است. تا ما را که همیشه در معرض حادثه هستیم به بیمارستان منتقل کند. حادثه‌ها همیشه از فرسودگی و خستگی زیاد و فشار طاقت فرسای کار درگرما می‌آید. این دلیل نبودن وسایل ایمنی پیش می‌آید. این حادثه‌ها همیشه ما کارگران را تهدید می‌کند، نه آنانی را که عادت کرده‌اند پشت میز بنشینند و دستور بدهند و آخر کار هم حاصل دسترنج ما را غارت می‌کنند. با وجود اینکه همیشه خطر ما را تهدید می‌کند ولی کوچکترین تضمینی نداریم.

روز دوشنبه یکی از برادران کارگرمان در کارگاه "لورگی" دچار سوختگی می‌شود و قسمت‌های زیادی از بدنش می‌سوزد. ولسی چون آمبولانس نبود مدت‌ها طول می‌کشید تا به بیمارستان منتقل شود. این حادثه یکبار دیگر ظلمی را که به ما می‌رسد آشکارتر ساخت و توانست چون جرعه‌ای بهانها را روت ما، که مدت‌ها فریب وعده‌های شیرین کارفرما را خورده بودیم بزند. و از آن زمان تا کنون توانستیم با حفظ همبستگی و تشکل و اتحاد خود هر چه کارفرما را نقش بر آب ساخته و به اعتصاب و تجمع خود ادامه دهیم.

"طالقانی" مدیرعامل شرکت رازیون و هر اسان کنیم و او زمانیکه حبله‌هایش در مقابل اتحاد و همبستگی ما به نتیجه نمی‌رسد، بر علیه ما دسته‌جماعتاران برای ما اندازه‌های آنها را ناآگاهترین کارگران و با حمایت پاسداران! آیا کارفرما از شیوه‌های دیگری هم برای بهره‌بردن از شما دو تشکل ما استفاده می‌کند؟ بدون شک بلی! و با بستن باز ما به هوشیاری خود نقشه‌های او را بر آب سازیم. از جمله این حبله‌ها یک حبله همبستگی و تجربه شده آنها یعنی تفرقه و اختلاف انداختن در صفوف ما است.

این حبله پس از انقلاب در لباس جدیدی ظاهر می‌شود. آنها سعی می‌کنند تا کارگران را به دو دسته کارگران مذهبی و غیر مذهبی تقسیم کنند. و از این طریق در درون ما جدائی بسازند، که ما با بدش بدی با آن مقابله کنیم. و با کمک با چند خواسته از کل خواسته‌هایمان موافقت کنند. و به این وسیله و در این زمان که با اتحاد یکبارچه ما روبرو شده‌اند، ما را به سرکار بکشانند، که ما با بستن تا برآوردن تمامی خواسته‌هایمان به اعتصاب و تجمع خود ادامه دهیم.

با کمک عده‌ای از کارگران مبارز و با سخنگویان ما را که نقش مهمی را در مبارزه دارند دستگیر و با اخراج سازند، که باز هم با بستن تا آزادی کامل و بازگشتشان به جمع کارگران اعتصاب را ادامه دهیم و همین حالا پیشنهاد ما اینست که عدم اخراج یا دستگیری کارگران مبارز چه در طول اعتصاب و چه پس از آن را به خواسته‌های خود اضافه کنیم.

و همچنین ممکنست با ایجاد محیط شدیدتر و با آوردن پاسداران و برآوردن دو باره دسته‌جماعتاران محیط وحشت‌آلود را همچون زمان گذشته به ما تحمیل کرده، ما را وادار کند به سرکار برگردیم که ما ضمن خودداری از برخورد با بستن هر روز و همیشه اجتماعات خود را حفظ کنیم. دائماً در این اجتماعات و بطور دسته‌جمعی توطئه‌های کارفرما را افشا کرده، اتحاد و همبستگی خود را محکمتر سازیم.

برادران کارگر! برای پیگیری و ادامه اعتصاب تشقیق، شورا از عناصر طرفدار کارفرما را از همین امروز شروع کنیم. نمایندگان کارفرما را از نمایندگی خلع و بجایش کارگران مبارز را انتخاب کنیم، ایجاد "سندوق اعتصاب" هم ما را در ادامه دادن به اعتصاب کمک و یاری خواهد داد. ما با ایجاد "سندوق اعتصاب" ضمناً از دیگر برادران کارگرمان چه در دیگر قسمت‌های صنایع فولاد و چه در صنایع نفت و "نورد" خواهیم خواست که با کمک به این سندوق همبستگی خود را با ما اعلام کنند.

شورا از عناصر مزدور و وابسته به کارفرما تشقیق کنیم!

"سندوق اعتصاب" را ایجاد کنیم!

عده‌ای از کارگران مبارز فاسترویلر

(تهران جنوب)

کار، کار، کار اینست شعار بیکار

گزارشی از مبارزه کارگران و دیپلمه‌های بیکار تبریز

یک کارگر بیکار:

"به این کاسه نگاه کنید، این را درخانه به دستم داده‌اند تا برایشان غذا تهیه کنم ولی من پولی در بساط ندارم تا برای فرزندانم غذا بگیرم!"
"یا مرگ یا اشتغال - کار، کار حق مسلم ما است."

در مسجد شریعتمداری بدون اطلاع کانون بیکاران
۷ - اگر بخواسته ما رسیدگی نگردد دوباره تحصن خود را از ساعت ۹ صبح ۵۸/۷/۸ ادامه خواهیم داد.
در ضمن خواندن قطعنامه چند نفر از عناصر احبر شده سعی در تفرقه اندازی و بهم زدن جمع کردند که خوشبختانه با هوشیاری که بیکاران از خود نشان داده و دادن به موقع شعار: "اخلالگرتا یناخ" یعنی "اخلالگروا یشناسیم" این توطئه‌های عناصر بر سر تع را خنثی کردند. ساعت حدود ۱/۵ بود که جمع تصمیم می‌گردد نسبتاً نظرات را به شهر بکشد. بنقول یکی از بیکاران که میگفت "ما عوضی آمده ایم ما با بیستی حرفهای خود را ما مردم به میان بگذاریم نه با مقامات اداری، چون اگر مسردم پشتیبان ما باشند آنها نیز مجبور به اجرای خواست ما خواهند شد"

نظرات از داخل استاننداری به بیرون کشیده شد و از خیابان شاهیختی تا خیابان متحدین و از آنجا همتا چهار راه متحدین ادامه یافت. در طول نظرات همان شعارهای قبلی داده شد و فقط در چهار راه متحدین بود که دوباره قطعنامه برای مردم خوانده شد و بدین ترتیب بیکاران تبریز صدای خود را با گوش سا برزحمت - کشان رساندند و خواستار اجتماع در استاننداری را ساعت ۹ روز یکشنبه شدند.



حدود ۵ دقیقه بعد از آنکه تظاهر کنندگان متفرق شدند، ۱۰ نفر قلائد در حالی که سعی میکردند با دادن شعار "سلام پیروز است، کمونیست نابود است" نظراتی علیه بیکاران برای اندازند ولی خوشبختانه در حین اینان پیش مردم رنگی ندارد زیرا کسی داخل جمع این مزدوران نشد. بطوریکه کمی بالاتر از چهار راه متحدین خجل و شرمندگی برآوردند.

یکشنبه ۵۸/۷/۸

همانطوریکه روز قبل قرار گذاشته شده بود از ساعت ۹ صبح امروز (یکشنبه) بیکاران (کارگران و دیپلمه‌ها) در استاننداری تبریز اجتماع کردند. نزدیکی های ساعت ۱۰ بود جمعیت نسبت به روز گذشته بیشتر بود و چهره‌های نا آشنا زیاد چشم میزد. همچنین از قیافه‌های آشنا که در روزهای قبل بمناسبت نماینده و غیره فعالیت های زیاد کرده بودند خبری نبود که بعد از کمی روشن شد که روز گذشته پس از پایان نظرات نمایندگان بقیه در صفحه ۱۴

ریال هم پول دارم. چند ماه است از بیکاری می‌نال و پیول دو اودرمان پدر و مادری بیمار خود را ندارم. چند مرتبه اینجا آمده‌ام هنوز به هیچ جا نرسیده‌ام. باور کنید ترجیح می‌دهم آنقدر اینجا بنشینم تا بمیرم ولی با دست خالی بخانه نروم."
سپس کارگری حدود ۲۵ ساله در حالیکه شنا سنا به خود ۴ نفر عاقله اش همراهش بود چنین گفت: من نان آورده‌ام. شکم را نیز عمل کرده‌ام. چند وقت است که بیکارم. اکنون سیزده ریال دارم که بلیط اتوبوس خواهم خرید و در حالیکه کاسه‌ای دردستمالی پیچیده در دست داشته‌ام داد:

"به این کاسه نگاه کنید این را در خانه به دستم داده‌اند تا برایشان غذا تهیه کنم ولی من پولی در بساط ندارم تا برای فرزندانم غذا بگیرم!"
سخنرانی قوی که داده شده بود بلاخره خبر آمد که استاننداری به نمایندگان گفته "من کارهای واجب تری دارم ..."

در این موقع - حدود ساعت ۱۲/۵ - بود. جمع بعد از چند بار دادن شعار "استانستاد ایستریخ والسلام" چون نتیجه‌ای عاید نشد تصمیم به راهپیمایی در محوطه استاننداری گرفت این نظرات حدود یک ساعت بطول انجامید و در طی آن شعارهای زیر داده میشد:
"دیو شوخ، فان وردوخ نیه گننه ایش بسوزوخ" یعنی:

"جنگیدیم، خون دادیم، چرا هنوز بیکاریم"
"با زوی این جوانان نیروی انقلاب است، بیکاری جوانان سرچشمه فساد است"

و

"یا مرگ یا اشتغال" - "کار، کار، حق مسلم ما"
"ایش ایستریخ والسلام" یعنی: "کار می - خواهیم والسلام"
"بیکاری ایرانی نابود گردد، اتحادیه بیکاران ایجاد با یگردد"

در پایان قطعنامه‌ای در ۷ ماده تنظیم شده که از قرار زیر است:

- ۱ - آزادی دوستان دستگیر شده در محوطه استاننداری به تاریخ ۵۸/۷/۷
- ۲ - ایجاد کار برای کلیه بیکاران اعم از (کارگر، دیپلمه، فوق دیپلم - لیسانس)
- ۳ - در صورت عدم اشتغال بیکاران دادن حق بیکاری برای آنان.
- ۴ - برسمیت شناختن اتحادیه بیکاران
- ۵ - استخدام بیکاران از طریق اتحادیه بیکاران
- ۶ - روشن نمودن استخدام غیرقانونی ۵۰ نفر

بدین ماهها مبارزه دیپلمه‌های بی - کار برای ایجاد کار بوسیله دولت "انقلابی" اینک در اکثر شهرهای کشور این گروه حق طلب بپا خواسته اند و با اشکال مختلف مبارزه در جهت احقاق اولییه ترین حق خویش "کار" میکنند. عکس العمل دولت "انقلابی" نیز معلوم است: وعده و وعید و دعوت به "صبر انقلابی" اگر نشد اینجا دستفرقه و سرکوب مثل همه رژیم‌های فدا خلی. در تبریز نیز در روز چهارشنبه ۵۸/۷/۴ دیپلمه‌های بیکار در محل استاننداری بعد از انتخاب نمایندگان خود برای مذاکره، تصمیم می‌گیرند که در صورت عدم رسیدگی بکارشان روز شنبه ۵۸/۷/۷ در استاننداری تحصن کنند.
در استاننداری به نمایندگان محل نمی‌گذارند و میگویند فعلاً تا ۶ ماه کار ندارند و بعد از شش ماه هر ما برای دوستان نفر کار ایجاد می‌کنیم و شما بس خود وقت خود را تلف می‌کنید.
بدینال این جریان با انتشار اطلاعیه - ای از تمام بیکاران (دیپلمه‌ها، کارگران و...) دعوت به تحصن در استاننداری میکنند. شب ساعت ۱۰ صبح شبیه حدود ۳۰۰ نفر که اکثراً دیپلمه و کارگر بودند در جلو استاننداری جمع می‌شوند و شعار "استاننداری ما خواهیم" حواستار آمدن استاننداری میشوند. خبری نمیشود سپس شعار "یا ایش ورون ایشلیخ" - یا پول ورون خلیلیخ" با کارسده‌ها کارکنیم - یا پول بدهید خرج کنیم، را سرمی‌دهند. شعار دادن نیم ساعت ادامه پیدا میکند و جمع تصمیم می‌گیرد در محوطه استاننداری دست به تظاهرات بزند با شعار "یا مرگ یا اشتغال" "یا ایش ورون ...". به حرکت می‌افتند. هنوز چند قدمی نرفته بودند که افراد کمیته به صف مقدم حمله کرده و دونفر از کسانی را که شنا سنا می‌کردند بودند دستگیر نموده کشان کشان بطرف ما شین کمیته میبرند. ولی عکس العمل شدید جمع منجر به آزادی آنها میگردد. عده‌ای شعار میدادند "حق دینی و رولار حق دینی توتولار" "هر کس حرف حق میزند میزنند، هر کس حرف حق میزنند میگیرند" وعده دیگری از حرکت ما موران جلوگیری میکنند.

نظا هر کنندگان سپس متوجه استاننداری شده سعی میکنند داخل استاننداری شوند که منجر به درگیری با ما موران کمیته میشود با این حال چند نفری داخل میشوند که توسط ما موران کمیته بازداشت میشوند. نظرات که تنظیم خود را از دست داده بودند دوباره شکل میگیرد و بیکاران جلوی درب جنوبی استاننداری رفته و در آنجا تحصن میکنند. در اینجا چند سخنرانی میکنند. یکی از نمایندگان آنها، ربیختی از صحبت‌های خود گفت: "داخل استاننداری یکی از افراد کمیته ژ - ۳ را روی سینه من قرارداد و گلگدن را کشیده و میگفت کار میخواهی؟" و صحبت‌های راجع به اتحادیه بیکاران و لزوم ایجاد آن، بیان کرد. کارگری ۲۵ ساله چنین گفت: من یک مسلمانم و یک کارگرم فدا انقلاب هم نیستم. نان آور و نفرم و پدر و مادری بیمار دارم. یک پای خودم هم نقی دارد. ۱۵

بقیه از صفحه ۱۳

کار، کار، کار....

وعنا صرفاً توسط عوامل کمیته‌ها شنا ساشی و دستگیر شده‌اند. در ضمن امروز اعلام شد که استاندار نیز جهت ما موریت به شبستر رفتی است این قرآن همگی حاکی از زنتقه پلیس ارتجاع برای یورش به بیکاران و سرکوب آنان بود. بالاخره انتظار ربیابان رسید و از طرف بیکاران ضمن محکوم کردن دسیمه‌های ارتجاع که بصورت دستگیری‌های پراکنده بیکاران متبلور شده بود اعلام شد که چنانچه دوستان در بند، آزاد نگردند دست به تظاهرات زده و در چهار راه متحدین متحصن شده و دست به اعتصاب غذا خواهند زد و اعمال ارتجاع را افشا خواهند ساخت و در ضمن قبل از تظاهرات معساون استاندار را در جریان گذاشتند و چون معساون استاندار از خود سلب مسئولیت کرد، تظاهرات از داخل استاندار شروع شد و پس از چند لحظه برخلاف روز گذشته که درها را از طرف استاندار بسته بودند درها بروی تظار هرکندگان باز شد این عمل متکوکه خبر از توطئه‌ای میداد که تظار هرکندگان در آن لحظات متوجه آن نشدند و در حالیکه شعار: کار، کار، ایستد شعار بیکار "بازوی این جوانان نیروی انقلاب است، بیکاری ایرانی سرچشمه فساد است" و "ایستد ایستریخ والسلام" را میدادند از درب استان - داری خارج شدند، که بطرف چهار راه متحدین رفته و در آنجا متحصن شدند...

در همین حال از داخل استاندار حدود ۵۰ نفر مسلح به زنجیر و پنجه بکس و سایر لوازم سرکوب در حالیکه در جواب شعار: "ایش ایستریخ والسلام" تظار هرکندگان شعار مبتذل "... پیروز والسلام" یعنی "... می خورید و السلام" را می دادند از پشت صف به تظار هرکندگان حمله برده و عده زیادی را موروب کرده و تعدادی را دستگیر کردند و در این هنگام افراد کمیته "چریکهای پیخرو" که روبروی استاندار در طرف دیگر میسدان می باشند مسلحانه به کمک عناصر اجیر شده و اوپاشان جا قوبدست شنا فته و دستگیر شدگان را کشان کشان بطرف ستاد خود بردند.

★ ★ ★

بدین ترتیب بیکار دیگر ما هیت ضد کارگری و ضد انقلابی رژیم کمونی آنگار شد. این حادثه بدون اینکه هیئت خاکمه بخواد، درس دیگری به زحمتکشان و به توده‌های ستم دیده داد. درسی که بخصوص برای زحمتکشان ما دارای اهمیت بسیاری است، و آن آنکه "بخود بیه نیروی جمعی خود نیروی کلازبال است و هنگامیکه این نیرو در تشکیلات مستحکمی بکار گرفته شود، تشکیلاتی که جزا طریق کوشش خود زحمتکشان و تمام توده‌های ستم دیده از یک طرف و بهره‌گیری از نظرات علمی و انقلابی سازمانهای انقلابی خلق بوجود نمی آید، دما را زور و کار سرمایه - داران و تمام مترجمین درمی آورد.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

★ ★ ★

آری، فرزندان خلق ما این چنین در هر قدم از تجربه زندگی روزمره خود درمی - یابند که دولت ضد انقلابی قادر به پاسخگویی مسائل آنان نیست.

گزارشی از: راهپیمائی و تحصن دیلمه‌های بیکار

"کسته برو پاوه"، "یوزی، ژ-۳، دیگر اثر نداره"، "یا بکشین، یا کاریدین" یکی از نکات جالب این بود که افراد کمیته با لباس شخصی بین دیلمه‌ها رخنه کرده بودند و گذشته از شناسائی عناصر فعال، میکوشیدند با ایجاد درگیری و بحث های بی مورد تفرقه ایجاد کنند که خیلی زود افشا شدند.

حدود ساعت ۴ بود که نمایندگان بدون هیچ نتیجه‌ای برگشتند و گفتند: "اول که رسیدیم، طباطبائی گفت بدستور امام، تظاهرات و تحصن بهر شکلی ممنوع است من نمی دانم شما چطوری این کار را انجام داده اید! این کار شما باعث سو- استفاده دیگران میشود، شما چرا به این کار غیر قانونی دست زدید، که گفتیم در اثر فشار زندگی بیشتر از این نتوانستیم تحمل کنیم". در مورد پاسخی که به قطعنامه آنها داده بود اضافه کردند که: "در باره ما ما اول گفت بهیچوجه امکان لغو آن وجود ندارد، چون ما با تورم کارمند روبرو هستیم، در مورد مجازات ظالمین تیراندازی اصلاً صحبتی نکرد، و در باره بازنشسته کردن افراد واجد شرایط گفت که ما طرحی برای بازنشسته کردن و بازخریدن کردن در دست داریم، ولی همانطور که گفتیم، چون با تورم کارمند روبرو هستیم، این بدان معنی نیست که افراد بیکار را بجای آنها استخدام کنیم. بنابراین فعلاً دولت برای شما افراد بیکار کاری نمیتواند بکند، ولی پروژه‌ای در دست است که حداقل یکی دو سال دیگر می تواند تا ۲۴ هزار نفر را جذب کند. در مورد نشان دادن تظاهرات از تلویزیون گفت بهیچوجه امکان پذیر نیست، چون کار شما، کاملاً غیر قانونی بوده است، ولی خودم در مصاحبه تلویزیونی، در مورد بیکاری دیلمه‌ها صحبت می کنم!"

جمعیت شدیداً اعتراض کرد و در گوشه و کنار شروع به بحث کردند، که تحصن را ادامه دهند یا بطرف دانشگاه که گفته میشود بازگان هم آنجا برنامه سخنرانی دارند حرکت کنند. در این موقع پاسداران یک نفر را به بهانه اینکه به دولت اها نت کرده دستگیر کردند و بطرف ماشین کشیدند، جمعیت با ازدحام خود جلو ماشین را بستند و شدت اعتراض کردند، پاسداران فرد دستگیر شده را آزاد کردند و شروع به تیراندازی هوایی کردند، گلوله‌ای که با دسترنج زحمتکشان تهیه شده بود، بیکار دیگر و فقط ماه هفتم پس از قیام، برای ارطاب و متفرق کردن آنها بیکار گرفته میشد، باینصورت جمعیت متفرق شد.

آری، فرزندان خلق ما این چنین در هر قدم از تجربه زندگی روزمره خود درمی - یابند که دولت ضد انقلابی قادر به پاسخگویی مسائل آنان نیست.

روز یکشنبه ۵۸/۷/۱ حدود ۱۰۰۰ نفر از دیلمه‌های بیکار پس از گذشتن از چند خیابان، از جمله خیابان فلسطین ساعت ۱۲/۵ جلو نخست وزیری رسیدند. در طول راه یک نفر از آنها را دستگیر کرد. ولی وقتی سوار ماشین کردند که ببرند، دیلمه‌ها جلو ماشین را گرفتند و مانع حرکت آن شدند. پاسداران بناچار او را آزاد کرده و دیوانه وار به شلیک هوایی پرداختند. برخی از شعارهایی که در طول راه می - دادند چنین بود:

"جنگیدیم، خون دادیم، اما هنوز بیکاریم" "بیکاری، بیکاری، ریشه هر فساد است"، "سرمایه دار عامل هر بیکاری"، "اتحاد، اتحاد، علیه سرمایه دار"، "مرگ بر ارتجاع"، "کار حق مسلم ماست"، "کارگران بیکار، دیلمه‌های بیکار، باید برند سرکار"، "قطب زاده، سا سورنکن، نشان بده" دیلمه‌ها جلو نخست وزیری شعار میدادند و از مسئولین می خواستند که بازگان بجان آنها بیاید و به خواستهایشان توجه کند، اما آنها گفتند که بازگان شهرستان است، دیلمه‌ها خواستار آمدن طباطبائی شدند و شعار دادند: "سخنگو بیا باشین" در این هنگام یک نفر از نخست وزیری آمد که خواستهایتان را بدید و متفرق شوید. جماعت او را هو کردند و گفتند: "همین جا بهترین جاست". و روی زمین نشستند. ۵ نفر را که در طول راه بعنوان نماینده انتخاب کرده بودند، دوباره تأیید کردند و اینها قطعنامه شش یا هفت ماده‌ای تهیه کردند که مضمون بعضی از بند های آن چنین بود:

- ۱- لغو قانون منع استخدام درد و اثر دولتی.
- ۲- مجازات ظالمین تیراندازی امروز.
- ۳- بازنشسته کردن افراد واجد شرایط و بازنشستگی و استخدام افراد بیکار، بجای آنها.
- ۴- ایجاد کار برای همه از جمله دیلمه‌ها و فوق دیلمه‌های بیکار با توجه اولویت (سابقه بیکاری و تاهل و...)
- ۵- نشان دادن تظاهرات امروز از تلویزیون و...

در حالیکه دیلمه‌ها اصرار داشتند طباطبائی پائین بیاید، نمایندگان که برای مذاکره در همین مورد رفته بودند، برگشتند و گفتند: "طباطبائی به علت مسائل امنیتی پائین نمی آید." با تأیید اکثریت، نمایندگان پیش طباطبائی رفتند و از ساعت ۲۰ مدقیقه بمذاکره نشستند. از طرفی پاسداران می کوشیدند که با تهدید و ارطاب جماعت را پراکنده کنند که با شعارهای زیر مواجه شدند: "کمیته، پاسدار، حق دخالت نداره"، "کمیته، پاسدار حق اهانت نداره"

بخشنامه‌های ضد انقلابی برای سرکوب عناصر مترقی

اوائل شهریورماه جاری از طرف بازرگان بخشنامه‌ای به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی ارسال شد که طی آن اعتراضات و انتقادهای عناصر آگاه و مترقی ادارات به تبعیضها، اجحافات، سازشکاریها و سوءاستفاده‌های موجود در آنها، "انحرافات"، "انتقادهای انقلابی" و "خرابکاری" نامیده شد و برکناری و اخراج آنها مورد تأکید قرار گرفت.

در زیر عین بخشنامه و اعلامیه افشاگرانه گروهی از کارکنان صدا و سیما و جمهوری اسلامی را که در همین رابطه منتشر کرده‌اند، ملاحظه می‌کنید.

بخشنامه‌های انقلابی و انتقادهای ضد انقلابی

هنوز خاطرات تلخ اختناق و سرکوب و حشانه ویلیسی رژیم مزدور شاه خاشن فراموش نشده است که اختناق جدید، دیکتاتوری تازه آراسته خود را به مردم تحمیل می‌کند. همان بساط قدیم از نو شروع می‌شود. در گذشته رژیم مغفور پهلوی هرگونه صدای اعتراض و آزادیخواهی را در محیط کار بطرز وحشیانه‌ای سرکوب می‌کرد. معترضین و حق طلبان را مجازات و یا از محیط کار اخراج می‌کردند و حتی حبسهای چندساله را در برابر کمترین اعتراض نصیب آنان می‌نمودند. چه بسیار از کارگران و کارمندان را به بهانه‌های اذیتمندانه و خرابکاری، ولی در اصل منظور حفظ سرمایه‌داران بیگانه و جیره‌خواران، از کار برکنار و یا تبعید نموده و زندگی را بر آنها سخت و تلخ می‌کردند.

جماق ساواک در برابر کوچکترین اعتراض به تبعیض، پارتی بازی، رشوه‌خواری و حوقکی بحرکت درمی‌آمد و زحمتکشان کارخانه‌ها و ادارات از بیم آنکه مبادا خرج معاش زندگی‌شان از دست برود و خانواده‌شان دچار گرسنگی و دربدری و بی‌خانمانی گردد، دردها و ناله‌ها و حتی گلابه‌ها را در سینه‌ها پنهان می‌کردند. لیکن این دردها و ناله‌ها آنبوه گردید و به فریاد تبدیل شد و فریادهای بهشت‌های گره‌کرده و مشت‌های مسلسل و سرانجام سرنگونی دیکتاتورها و جلادها و وای بر آنان که از این تجربه‌ها درس نگیرند.

می‌بینیم که میوه‌چینان تازه بقصدت رسید که از ترس حرکات بنیان کن توده‌های زحمتکش، از همان روزهای اول انقلاب مانع حمله مردم به مراکز قدرت رژیم سابق و امپریالیسم می‌شدند، چگونه با درجای پای رژیم گذشته می‌نهند و چگونه نظام قدیم را با همه کثافات و آلودگیهایش احیا می‌کنند.

عمال و کارگران ساواک و سایر همچون "شاکر" و بسیاری دیگر در رأس کارها می‌گمارند از سرمایه‌داران زالوصفت که دارائی مملکت را بتاراج برده‌اند، با حمایت مادی و معنوی دعوت می‌کنند که دوباره بازگردند و به مکیدن شیره جان زحمتکشان بپردازند.

در مقابل، کارگران را با نیروی ویژه و آتشین نامه با سطل انضباطی، ارتشیان را با قوانین وسپتم نظام سابق، مصلحان و کارمندان را با تهدید به اخراج و مجازات و ادار به اطاعت کور و خفقان در مقابل همه آن عوامل و مزدوران

رژیم سابق می‌کنند که دوباره به سرکارها بازگشته‌اند.

از این میان، اخیراً بخشنامه‌ای بسرای وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی ارسال شده که زحمتکشان ادارات را مجبور به سکوت و خاموشی در برابر تبعیضها و اجحافات و سازشکاریها و سوءاستفاده‌ها می‌کند. به بهانه "جلوگیری از انتقادهای انقلابی"، "انحرافات"، "خرابکاری" و... درصددند تا هرگونه اعتراض باینکه چرا ساواکیها بر سرکارند، چرا مزدوران دربار و نابکاران قدیم بر سرکارند، چرا شوراهایی را که ابتکار انقلابی کارکنان را بسالا می‌برد، متوقف می‌کنند و هزارچراهای دیگر را در سینه حقه‌کنند. فضای آزادی که در محیط های کار، پس از قیام بوجود آمده بود و توده‌ها با آسودگی و بدون ترس و وحشت در آن فضا مشکلات و نارسائی‌ها را افشا می‌کردند و بدین ترتیب آگاهی و هوشیاری انقلابی خود را بسالا می‌بردند و در نتیجه ابتکار عمل خود را در محیط کار و جامعه بهبود می‌بخشیدند، اکنون از طرف حکومت به بهانه "توطئه و خرابکاری" مورد هجوم قرار می‌گیرند.

کارگران و کارمندان را که در این چند ماهه یاد گرفته بودند دیگر بیخ و مهره‌های بی‌اراده و بی‌شعور نشاند و با درایت و آگاهیهای اجتماعی با کارها و امور محیط کار خود و با مسئولیت و دلچسپی با حریبات برخورد کنند، مجدداً حکومت می‌خواهد به ابزارهای مطیع و بی‌اراده و تسوی خور تبدیل کند و ضمانت این عمل را هم به کارگران گرفتار چندرغاز حقوقی را که به آنها می‌پردازد

قرار می‌دهد. آنها از ما می‌خواهند که تابع بیچون و

چرای هدف‌ها و مقاصد هیئت حاکمه باشیم و دارای عقایدی که ببرد تأیید و اثبات نظرات قدرتمندان بخورد و خلاصه نوع مخصوص سفارش شده را بسببیم و بشنویم و بگوئیم.

آری حکومتی که درصدد احیاء و بقای همه نهادهای رژیم گذشته است، حکومتی که همه شرایط را برای استثمار و غارت سرمایه‌داران و امپریالیستها آماده می‌کند حتماً اعتراض و حق طلبی کارکنان زحمتکش را "تعطل و کم کاری" و انشود کرده و متهم به "انحراف و انتقادهای ضد انقلابی" میکند و حتماً مجریان این دستورات انقلابی را هم باید مدیران و مسئولینی قرار دهند که اکثرشان دارای پیشینه‌های درخشانی در سپردگی به رژیم گذشته هستند.

ولی سرانجام این حکومتها چیست؟ تاریخ نشان داده و نشان خواهد داد همچنانکه همین ما در کنندگان چنین بخشنامه‌هایی به چشم خود در مورد حکومت سابق دیدند، اینکه با اعتراض توده‌ها و ناراضیانی اینان از حکومت، قدرتی است که هیچ نیروی یاری ایستادگی در مقابل آنها ندارد و سرانجام پیروز خواهد شد و آلودن این اعتراضات به مارک‌های انتقاد ضد انقلابی و خرابکاری نه تنها از نیروهای خلق نمی‌کاهد بلکه دشمنان آنان را هر روز رسوا تر خواهد ساخت. آنچنانکه خواهیم دید و دیر نخواهد بود.

"هرچه راستر و پیروزمندتر باد ندای حق طلبی" گروهی از کارکنان صدا و سیما و جمهوری اسلامی

شماره ۱۰۰۰۰
تاریخ ۱۳۵۸/۷/۱۶
بخشنامه

دولت وقت جمهوری اسلامی ایران
نخست وزیر

به وزارتخانه‌ها و موسسات مستقل دولتی

نظر باینکه بعضی از کارمندان دولت بجای هم‌آذنگی با ملت و انقلاب اسلامی و با خط مشی دولت جمهوری اسلامی به تعطل و کمکاری می‌پردازند و احیاناً مرتکب انحرافات و انتقادهای ضد انقلابی و خرابکاری میگردند ضرورت دارد که اولاً مراقبت شدید بکار برند و ثانیاً بدون تسامح و تسلسل خطا کاران و خرابکاران را برکنار و تحت تنقیب قرار دهند.

دستور فرمائید این بخشنامه به دستگاههای تابعه مرکز و شهرستانها ابلاغ و نتیجه آن اعلام گردد.

انتهای دستور
نخست وزیر
دفتر دبیر
شماره ۱۰۰۰۰
تاریخ ۱۳۵۸/۷/۱۶



جنبش کارگری

شورای ضد کارگری کارخانه چیت تهران بافکار

بعد از انقلاب، در این کارخانه هم مانند بسیاری دیگر از کارخانه‌ها شورائی تشکیل شد. اما پس از مدتی افراد مبارز و مترقی شورا تا حد زیادی تصفیه شدند. از جمله کسانی که در این تصفیه ضد کارگری نقش فعالی داشتند، علی محمد عرب (نماینده مجلس خبرگان که از طرف حزب جمهوری اسلامی کاندید شد) بود. او همراه با عناصر ضد کارگر دیگر شورا دائماً سنگ سرمایه داران را به سینه می‌زدند و می‌کوشیدند خواستهای کارگران را تعدیل کنند. این آقای باصلاح نماینده کارگران با تعطیل بودن پنجشنبه‌ها هم بشدت بمخالفت برخاست. در حال حاضر کارگران اصلاً نظر خوشی نسبت به علی محمد عرب ندارند. یکی از کارگران می‌گفت: باید فاتحه عرب‌ها را خواند. او دیگر درد کارگر را نمی‌فهمد. کسی که در باد کولسر و زندگی راحت غرق شود، بی خیالش شورای کارخانه چیت تهران یک شورایی

صد کارگری است و کارش فشار بر کارگران و دفاع از منافع سرمایه داران است. این را بواجبی میتوان از اعلامیه‌های صادره از طرف شورا دریافت که مضمون آنها بیشتر چنین بوده است: "کارگران کم کاری نکنند. عنا - صری که کم کاری میکنند از میان خود طرد کنید. تا سوت کارخانه بصد درنیامده است از قسمت‌ها خارج نشوید" و از این قبیل. شورا همجین نقش فعالی در سرکوبی کارگران بازی میکند. همین یک ماه پیش بود که یک کارگر را بنام حواد گلشنی از کارخانه اخراج و دو نفر دیگر را بمدت یک هفته از کار معلق کرد. "جرم" آنها خواستن اضافه دستمزد بود. و با فشاری شان بر روی خواست‌شان. شورا عملاً بر روی اعمال سرپرست‌ها که مانند پیش از انقلاب کارنامه‌های راندمان کار هر کارگر را بدست گرفته اند و بسسر کارگران فشار زیادی را اعمال میکنند، صحنه میگذارد.

اهواز - اعتصاب کارگران مبارز ماشین سازی پارس

کارگران مبارز ماشین سازی پارس، یکی از پیمانکاران صنایع فولاد) نار دیگر برای گرفتن حق خود روز شنبه ۵۸/۷/۷ دست‌ازکار کشیدند. این چندمین بار پس از قیام است که کارگران این کارخانه برای احقاق حقوق پایمال شده خود دست از کار میکشند. اعتصابات گذشته کارگران، اغلب بخاطر افزایش دستمزد بود. سرانجام هم، آنها توانستند بکمک شورای واقعی خود طرح افزایش دستمزد پیشنهادی خود را که بطور متوسط معادل ۵۸٪ است به کارفرما تحمیل کنند. کارگران می‌بایستی حقوق شهریورماه خود را با این افزایش دریافت میکردند که تا تاریخ ۵۸/۷/۷، از آن خبری نشده بود. کارگران که طی مبارزات گذشته خود یاد گرفته‌اند که تنها به نیروی متحد و یکپارچه خود متکی باشند، برای دریافت اضافه دستمزد شهریور ماه از روز شنبه ۵۸/۷/۷، دست‌با اعتصاب می‌زنند و یکی از نمایندگان خود را برای مذاکره با مدیر عامل شرکت به تهران می‌فرستند. (با دریافت اخبار بعدی خوانندگان را در جریان خواهیم گذاشت).

یکپارچگی و اتحاد کارگران بندر

روز شنبه ۵۸/۶/۲۱ اطلاعیه‌ای از طرف اداره بندر خرمشهر (ب) صادر میشود که طی آن اعلام میگردد که کارگران باید روزانه ۱۲ ساعت کار کنند. طبق این اطلاعیه، ساعت کار به دو شیفت ۱۲ ساعته از ۷ صبح تا ۷ شب و از ۷ شب تا ۷ صبح تقسیم شده بسود مسئولین بندر که گمان می‌برند در سایه سرکوب و خشبانه و فاشیستی مدتی هرگونه تعرضی به جنبش کارگری امکان پذیر است، مشت محکمی از کارگران دریافت کردند و مجبور شدند بلافاصله عقب‌نشینی نمایند. کارگران مبارز بندر بعضی اطلاع از این تصمیم ضد کارگری، همگی یکپارچه دست‌به‌اعتصاب می‌زنند. در این حرکت کارگسران بندر، چنان یکپارچگی و فاطعبیتی نشان می‌دهند که مسئولین بندر ۱/۵ روز پس از اعتصاب عقب‌نشینی میکنند و ظهر روزیکشنبه اطلاعیه قبلی مردود و ساعت کار بر طبق روال قبلی اعلام میشود. کارگران پس از به شکست کشاندن این توطئه ضد کارگری، بیروز - مندانه به سر کار خود بازگشتند.

از مبارزات کارگران بیکار چه می‌آموزیم؟

کارگران مبارز!

۶ ماه از آغاز مبارزه، متشکل شما کارگران بیکار می‌گذرد. طی ۶ ماه مبارزه، شما توانستید گوشه‌ای هرچند کوچک از حقوق محققان را از دولت صد انقلاب حاکم دریافت کنید. "وام بیکاری" که دولت مجبور به پرداخت آن شد، تحت مبارزه، پیگیرانه، شما حاصل شد. "وام بیکاری" هرچند نه‌هیچوجه تمام آن خواست و هدف کارگران پیشرو نبود، لیکن دستاورد مبارزه، شما سایر توده‌های رهنمون خلق ما محسوب می‌شود. بعنوان تجربه، بررسی این موضوع مهم است که چرا ما نتوانستیم به هدف خود در این زمینه دست یابیم. هدف ما عبارت بود از دریافت "حق بیمه بیکاری" و "حق کار" که شما کارگران را دربر می‌گرفت. لیکن ما فقط موفق شدیم که به قسمت بسیار کوچکی از حق خود دست یابیم. در حال حاضر دولت صد انقلاب، همراه با بی‌ورش و حمله خود به سایر دستاوردهای انقلاب، همس مقدار اندک و محدود "وام بیکاری" را مورد سؤال قرار داده است و قصد دارد دیگر آرزای اول سرمایه برداخت شما باشد. چرا ما در گرفتن تمامی حق خود پیروز نشدیم؟ چرا دولت خدا انقلاب به خود اجازه می‌دهد که همین مقصدار ناچیز وام بیکاری را دوباره پس بگیرد؟ ما در زیر مهمترین علل این مسائل را بررسی خواهیم نمود:

۱- نبودن رهبری واحد در مبارزات کارگران بیکار:

از آنجایی که رژیم مغفوری پهلوی حتی ابتدایی ترین تشکیلات صنفی کارگران را مورد بی‌ورش و خشبانه خود بقیه در صفحه ۹

توقیف کارگر به پیش!

بار دیگر ما مورین مسلح هیئت حاکمه به چاپخانه‌ای که نشریه "کارگر به پیش" شماره ۷ در آن چاپ میشد هجوم بردند و حدود ۱۰ هزار جلد کارگر به پیش آماده را همراه با یک نفر از متصدیان چاپخانه، با خود بردند. این عمل ضد دمکراتیک و ضد انقلابی در حالی صورت می‌گیرد که هیئت حاکمه دیگر حتی خود را به رعایت ابتدائی ترین اصول متداول ملزم نمی‌داند. چرا که کارگر به پیش! بهیچوجه رسمیت در لیست توقیف نبوده است. (مشروح جریان را در شماره ۹ بعد خواهید خواند.)

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

- در اداره بندر خرمشهر، برای تخلیه و بارگیری کالا، چهار شرکت پیمانکار، از جمله دو شرکت بزرگ ایران ترمینال و استو- دیورینک با چندین هزار نفر کارگر فعالیت دارند.

بقیه در صفحه ۹